



## فهرست مطالب

- ۲ ..... در حاشیه خروج ارتش اشغالگر آمریکا از خاک سوریه، تجاوز ترکیه به سوریه و خلع سلاح نیروهای کرد
- ۴ ..... چهل سال پیکار بی‌امان زنان با حاکمیت زن‌ستیز
- ۵ ..... یک پیروزی بر ضد تاجر مغزی
- ۷ ..... پیرامون اعتصاب و اعتراضات درخشان کارگران «آذرآب اراک»
- ۸ ..... اسماعیل بخشی آزاد شد! برای آزادی سایر زندانیان سیاسی به کوشیم
- ۹ ..... مسیح‌علینژاد ابزار دست امپریالیسم آمریکا
- ۱۰ ..... در جبهه نبرد طبقاتی
- ۱۸ ..... در حاشیه دروغ‌های دونالد ترامپ در مورد مهره‌های سوخته و پیروزی بر داعش!
- ۱۹ ..... عراق به کجا می‌رود؟
- ۲۰ ..... چند نکته پیرامون حوادث اخیر عراق
- ۲۱ ..... زنده باد همبستگی با مبارزات مردم اکوادور
- ۳۲ ..... زنده باد نبرد متحد ملت شیلی علیه نئولیبرالیسم و فقر و نابرابری‌های اجتماعی!
- ۲۴ ..... به مناسبت سالگرد تاریخی انقلاب اکتبر
- ۲۵ ..... از روسیه هراسی چه حاصل؟
- ۲۶ ..... گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش
- ۲۷ ..... پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام



## در حاشیه خروج ارتش اشغالگر آمریکا از خاک سوریه، تجاوز ترکیه به سوریه و خلع سلاح نیروهای کرد

سوریه و سپس تجاوز نظامی به ایران نیست، بلکه یک شکست راهبردی سیاست امپریالیسم آمریکا در سوریه و منطقه است و این شکست از مدت‌ها قبل با درهم شکستن تروریست‌های داعشی، این پیاده نظام آمریکایی در شهر حلب رقم خورد و تمام طرح و توطئه جنگ نیابتی غرب به سرکردگی آمریکا برای جابجایی قدرت سیاسی در دمشق به شکست انجامید. رژیم سوریه به رهبری بشار اسد ماندگار شد، داعشیان متلاشی، متحدین آمریکایی یکی پس از دیگری در باتلاق بحران و سردرگمی فرو رفته و اینها همه موجب گردید که آمریکا مجبور به خروج از سوریه گردد.

البته خروج آمریکا از سوریه به مفهوم عدم خرابکاری و تقویت جنگ‌های نامتقارن برضد رژیم‌های حاکم در منطقه نیست. امپریالیسم آمریکا سیاست رخنه‌گری، دخالت در امور داخلی کشورها و زورگوئی را تعطیل نکرده است و به این اصل سیاست خارجی خویش وفادار می‌ماند.

**دوم اینکه** تجاوز نظامی «چشمه صلح» نام‌گذاری شده، مانند دیگر تجاوزهای ارتش ترکیه به تمامیت ارضی سوریه که نه از ۱۹ اکتبر ۲۰۱۹ بلکه از ۲۰۱۱ آغاز شد، با مخالفت‌های مردمی و اعتراضات رهبران احزاب ترک در داخل مواجه شده است. این در حالی است که برخی از دولت‌های منطقه و جهان صمیمانه و یا ریاکارانه نیز به سیاست «اردوغان» مبنی بر مداخلات نظامی در کشورهای همسایه ترکیه اعتراض شدید کرده‌اند. دولت سوریه بارها تجاوزگری ترکیه به خاک سوریه را محکوم کرده و خواهان محکومیت آن در شورای سازمان ملل متحد شده است.

**سوم اینکه** اقدام دولت ترکیه مانند تجاوز این کشور به عفرین، اشغال بخشی از اراضی سوریه محسوب می‌شود و نه بخشی از «خاک کردستان سوریه»، آنطور که رسانه‌های صهیونیستی و عمال ایرانی و کرد آنها تبلیغ کرده و می‌کنند. این تجاوز نقض بارز قوانین بین‌المللی، حقوق بشر، حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی دولت سوریه است. در همین ارتباط، «رابرت فیسک» (Robert Fisk)، کارشناس و تحلیلگر مسائل غرب آسیا طی مقاله‌ای ضمن تجاوز خواندن حمله ترکیه به خاک سوریه، می‌نویسد:

دونالد ترامپ در توثیقی با صدور فرمان خروج سریع نیروهای نظامی آمریکا از خاک سوریه و توافق با دولت ترکیه در مورد نحوه برخورد با کردهای مسلح تحت حمایت خویش تأکید کرد و نوشت:

«خروج از سوریه چیز عجیبی نیست. من سال‌ها برای آن کارزار بر گزار کرده‌ام و شش ماه پیش علنا خواستار آن شدم. روسیه، ایران، سوریه و دیگران دشمنان محلی داعش‌اند. ما [در سوریه] کار آن‌ها را می‌کنیم. وقت آن است که به خانه بازگردیم و آنرا بازسازی کنیم». دونالد ترامپ در مصاحبه کوتاهی نیز مضحکانه اظهار داشت که: «ما بر داعش پیروز شدیم و به مأموریت خود در سوریه پایان می‌دهیم».

این فرمان دونالد ترامپ جنجال و مخالفت‌هایی را در محافل قدرت و در درون دو حزب جمهوری خواه و دمکرات برانگیخت. دولت ترکیه که مدت‌ها منتظر چنین فرصتی بود، به بهانه «مقابله با تروریسم» و «پاکسازی مرز ترکیه با سوریه» از حضور کردها که دولت آنکارا آن‌ها را تروریست می‌خواند، از روز ۱۹ اکتبر تجاوز به خاک سوریه را برای چندمین بار با نقض قوانین بین‌المللی و زیرپا گذاشتن تمامیت ارضی سوریه آغاز کرد:

**یکم اینکه** همانطور که در گذشته تأکید کردیم، طرح خروج نیروهای آمریکایی از خاک سوریه یک تاکتیک نظامی و خیز برداشتی دوباره جهت حمله نظامی به دمشق و سرنگونی حکومت

و صهیونیسم جهانی با اهداف تکه پاره کردن و تجزیه ممالک مستقل جهان و ایجاد خاورمیانه بزرگ و اسرائیل دوم در منطقه است.

**ششم اینکه** وضعیت کردهای سوریه و هواداران «روژاوی خودگردان» نیز در شرایط کنونی بسیار مضحک و در عین حال اسفناک است. آنان علی‌رغم مواضع به ظاهر درستی که در آغاز تجاوز اتخاذ کردند، راه خویش را از مبارزات خلقی‌های سوریه جدا کرده و حال به آمریکا حمله می‌کنند که به کردها خیانت کرده و پشت آنها را خالی نموده است و خواهان ادامه اشغال سرزمین سوریه هستند، تا در پناه ارتش متجاوز و سرنوشت‌ساز آمریکا، «حکومت خودگردان» بناسازند، حکومتی که بی‌تردید مورد تأیید و احترام صهیونیست‌های اسرائیل خواهد بود، زیرا تجزیه سوریه و تضعیف پشت جبهه ایران، منافع راهبردی آنها را تأمین می‌کند. این نیروها نیز حتی زحمت انتقاد از خود به سیاست‌های ارتجاعی خویش در منطقه را نمی‌دهند، زیرا مترصد تکرار آن در مناطق دیگر هم هستند.

سران کردهای ناسیونال شونیست به جای تکیه بر اتحاد خلقی‌های منطقه از جمله با خلق عرب سوریه برای اتحاد در مبارزه مشترک دموکراتیک، به ناتو و امپریالیسم و صهیونیسم تکیه کرده است. و این خیانت آشکار به منافع خلقی‌های منطقه و از جمله به منافع خلق کرد نیز است. با این تفکر ارتجاعی که مدام به فکر زدوبند و منافع تنگ‌نظرانه ناسیونال شونیستی است، باید سرسختانه و بدون واهمه مبارزه کرد. نیرویی که زیر پرچم امپریالیسم و صهیونیسم گرد آید، انقلابی نیست، ستون پنجم ارتجاع در منطقه است. نیروئی که از خروج نیروهای آمریکائی و رفع اشغال سوریه گریان باشد و از امپریالیسم اروپا عاجزانه بخواهد جای خالی اشغالگران آمریکائی را پر کرده و دست به دامان اسرائیل شود، این نیرو یار مردم منطقه نیست، مار در آستین است.

**هفتم اینکه** راه رهائی خلق کرد اتحاد، همکاری و همبستگی با همه ملل ساکن کشورهای است که آنها نیز در آن کشورها ساکن‌اند. همه این مردمان باید برای دموکراسی و آزادی و برای توجه به حقوق زحمتکشان مبارزه کنند. کردها در ایران با سایر خلقی‌های ایران دارای سرنوشت واحدند. ایرانی‌ها صرف‌نظر از اینکه به کدام قوم و ملیت متعلق باشند، از جانب یک حکومت سرکوب‌گر مورد هجوم‌اند و دشمن مشترک داخلی و خارجی دارند و در درجه اول باید برای بنای ایرانی دموکراتیک و آزاد مبارزه کنند. این بدان معناست که صهیونیسم و امپریالیسم که دشمنان مردم ایران و مردم منطقه و جهان هستند، دشمنان خلق کرد نیز محسوب می‌شوند. آنها باید بر ضد تحریم و تجاوز مبارزه کنند.

حزب کار ایران (توفان) فقط از چنین مبارزه‌ای و با این مضمون انقلابی دفاع می‌کند. کسی که خام‌پرستانه فکر کند «گلیم خود را از آب بیرون می‌کشد و گور پدر سایرین»، همواره در عرصه تاریخ قربانی کوه‌نظری خود بوده است. همبستگی دموکراتیک، انقلابی ضد امپریالیسم و ضد صهیونیستی خلقی‌های ایران شرط مهمی برای پیروزی است. •

«آنچه در شمال سوریه در حال وقوع است، تجاوزی آشکار بدون در نظر گرفتن ابتدایی‌ترین مسائل حقوق بین‌الملل است. آنچه در این منطقه در حال وقوع است، کشتار کور غیرنظامیان سوری است». کردها بخشی از شهروندان سوریه هستند و این کشتار همانند کشتار سایر اقوام و خلقی‌های سوریه باید محکوم گردد. به ریاکاری رسانه‌های امپریالیستی و مداحان چپ‌اند‌رقیچی «روژاوا» که در قبال کشتار مردم سوریه سکوت کرده و به تأیید نقض تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی سوریه پرداخته‌اند، باید قاطعانه پاسخ داد و آنها را رسوا ساخت. این آشفته‌فکران و یا عوامل دشمن خواهان سرنگونی رژیم مشروع و قانونی بشار اسد در سوریه بوده و در جبهه جنگ روانی امپریالیسم برای توجیه جنایات داعش و امپریالیست‌ها گام می‌گذارند.

**چهارم اینکه** کردهای خوش‌خیال سوریه با عقب‌نشینی نیروهای اشغالگر و متجاوز آمریکایی مورد یورش ارتش متجاوز ترکیه قرار گرفتند و از سر ناچاری و نه اعتقاد قلبی، با دولت سوریه به توافقاتی دست زدند و نیروهای ارتش سوریه با شادی و هلهله مردم وارد شهرهای منبج، عین‌العرب (کوبانی)، عین‌عسی، طبقه و منصوره شده و نیروهای کرد به پشت خطوط استقرار ارتش سوریه عقب‌نشینی کرده‌اند.

دریابانه کردهای سوریه آمده است که: «ما وظیفه داریم از مرزها و تمامیت ارضی سوریه دفاع کنیم. به همین دلیل، ارتش سوریه می‌تواند در مرز با ترکیه مستقر شده و برای دفاع از مرزها و آزادسازی شهرهای تحت اشغال ارتش ترکیه و مزدوران این کشور، وارد عمل شود». (تأکید از توفان است!)

**پنجم اینکه** طبق مذاکرات و توافق پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، با اردوغان و عقب‌نشینی کردها از مناطق مورد نظر و پیوستن بخشی از آنها به دولت و ارتش سوریه، آنها عملاً خلع سلاح شده‌اند. پوتین، رئیس‌جمهور روسیه در گفتگو با اردوغان بر حفظ تمامیت ارضی سوریه تأکید کرده و خواستار مذاکره مستقیم ترکیه با حکومت بشار اسد، رئیس‌جمهور سوریه شده و بیان کرده تمامی نیروهای خارجی که بدون درخواست حکومت اسد در خاک سوریه حضور دارند، باید از خاک این کشور خارج شوند.

نباید فراموش کرد این توافق برای دولت متجاوز اردوغان نیز بسیار حایز اهمیت بود، زیرا او اکنون اهداف بلندمدت خود را در منطقه هموارتر می‌بیند. او در گام اول توانسته کردها را که یک تهدید امنیتی برای خود می‌دیده از مرز ترکیه جدا کند، تا فاصله حفاظتی قابل توجه با سرزمین‌های اصلی ترکیه پیدا کنند و در سوی دیگر فضای اسکان بیش از سه میلیون پناهجوی سوری را که در ترکیه زندگی می‌کردند، نیز فراهم آورد. اما این توافق قبل از هر چیز به نفع دولت مشروع و قانونی سوریه است، زیرا اکنون قادر خواهد بود کنترل بخش مهمی از منطقه مرزی با ترکیه را در اختیار داشته باشد و از این طریق قلمرو نفوذ خود را نیز گسترش دهد. شکست متجاوزین به خاک سوریه و حفظ استقلال و تمامیت ارضی این کشور فقط به نفع ملت سوریه نیست، بلکه به سود همه ملل منطقه و جهان است، زیرا این یک شکست راهبردی برای امپریالیسم

رویدادی مهم تبدیل شد. روزی پُر هیجان برای آنانی که سال‌ها برای رفع ممنوعیت حضور زنان در استادیوم‌های ورزشی تلاش کرده بودند. اینبار حضورشان در استادیوم دیگر یواشکی نبود! این نخستین باری نه بود که زنان ایران وارد استادیوم آزادی می‌شدند، اما تفاوت آن نسبت به قبل، به گزینشی نبودن بانوان برمی‌گشت. بدین ترتیب زنانی که بیش از چهار ده سعی فراوان و فشار فیفا توانسته بودند مسئولان را وادار به عقب‌نشینی کنند، امید یافتند که حضور زنان در ورزشگاه‌ها و استادیوم‌ها به زودی آزاد شود.

با وجود این پیروزی اما «حصارها»، مظهر تفکر مسئولان در استادیوم آزادی سایه افکنده بود و از دیدۀ هیچکس به دور نماند. حصارهای استادیوم آزادی، سمبل همان قفس‌هایی بود که حاکمان جمهوری اسلامی چهل و یکسال است، تلاش کرده‌اند پیکر و فکر زنان را در آن محبوس کنند. حصارهایی که نشانه استمرار سیاست زن‌ستیزانه و تبعیض جنسیتی نهادینه شده در جمهوری اسلامی بود. در ورودی جداگانه، پارکینگ جداگانه... حتی گزارش‌گران زن و مرد نیز در استادیوم آزادی، جداگانه گزارش تهیه کردند. مزید بر «قرنطینه» درون استادیوم، مشاهده تصویر سهمیه جایگاه زنان در استادیوم با رنگ بنفش، بار دیگر به ثبت رساند که مقامات جمهوری اسلامی چه سهم کوچکی از حقوق شهروندی برای مادران، خواهران، دختران... مردان ایرانی در نظر گرفته‌اند. زنان ما نه تنها به دور از فرزندان، همسران، برادران، پدران... به تماشای این مسابقه نشستند، بلکه دیدن سهمیه حقیر زنان یادآور دردناک ناعدالتی جنسیتی و تحقیر مضاعفی بود که بیش از چهل سال است در جامعه «عدل اسلامی» بر دوش همه زنان سنگینی می‌کند. اما دیر است که «مردان فرستاده خدا» می‌دانند، مطالبات زنان به شرکت آنان در استادیوم ختم نه خواهد شد و مبارزه برای رسیدن به حقوق انسانی برابر با مردان همچنان ادامه خواهد داشت. این تحقیرها تنها اراده آنها را در این جنگ رو در رو، قوی‌تر می‌سازد. جنگ را مسئولان آغاز کردند و بازندگان این جنگ نیز خود آنان خواهند بود.

\*\*\*

علاوه بر باز شدن درهای استادیوم آزادی روز ۲۲ مهرماه ۱۳۹۸، ملت ایران شاهد یک روز فراموش نشدنی در تاریخ خلبانی ایران بود. در این روز برای اولین بار پرواز رفت و برگشت تهران - مشهد توسط دو خلبان زن انجام شد. افتخاری تاریخی که باید آن را پیامد پشتکار این دو بانو و مدیون چهار دهه ایستادگی و پافشاری زنان ایران بر داشتن فرصت‌ها و حقوق



## چهل سال پیکار بی‌امان زنان با حاکمیت زن‌ستیز

«هنر نوع سرکوبی منجر به جنگ می‌شود»

سیمون دوبووار

در کشور سرمایه‌داری جمهوری اسلامی طی چهل و یک سال گذشته نه خواستن‌های زنان مهم بوده و نه توانایی‌های آنان مجاز شمرده شده است، چرا که همیشه مسئولان به دنبال تراشیدن «لویت‌ها» و «انطباق» خواست‌های آنان با «قوانین شرعی» بودند. پیکار چهل و یک ساله زنان میهنمان برای رسیدن به برابری جنسیتی واقعی است غیر قابل انکار. اما آنها در برابر سرکوب‌های وحشیانه رژیم نه سکوت کردند و نه تن به تاریکی و ظلمت دادند. مبارزه دختران و زنان در ایران فرای «عرف اسلامی» و «آبروی زنان محبوس شده در بند قوانین شرعی» بود. آنان در مبارزه خود برجسته ساختند که واژه «آبرو» و «ناهنجار» ابداع جباران تاریخ است، تا بر ستم و بهره‌کشی خود سرپوش گذارند و مردم را وادار به اطاعت سازند.

از اینروست که شاید دست‌آوردهای مهر ماه ۱۳۹۸ زنان را بتوان مرهم کوچکی بر زخمی عمیق و بر دردهای چهل ساله آنان در رزمی سخت علیه استبداد حاکم نامید.

راه یافتن به استادیوم فوتبال در مسابقه مقدماتی کم‌اهمیت تیم ملی ایران در مقابل تیم کامبوج روز ۱۸ مهر ماه ۱۳۹۸ به



## یک پیروزی بر ضد تحجر مغزی

در هیچ دوره‌ای از تاریخ ایران خودفروشی در اثر فقر چنین رواج نداشته است و تحقیر زنان به چنین درجه‌ای از خفت نرسیده بوده است. رژیم جمهوری اسلامی مدال طلای این شقاوت، خفت، فقدان حیثیت و مظهر آلودگی و کثافت را برده است. آیا این مرتجعان متحجر حاکم، زنان و دختران خود را فاحشه‌های بالقوه تصور می‌کنند؟ پس کشورداری را رها کنند و به ناموس‌داری به چسبند...

پیروزی مبارزه زنان ایران برای احترام به کرامت و حیثیت انسانی به اینجا خاتمه نمی‌یابد. این مبارزه ادامه دارد. احترام ورزشکاران فوتبالیست به حضور زنان نشانه بارزی از مبارزه مشترک زنان و مردان ایران بر ضد ارتجاع، سرکوب و خفقان است. این مبارزه متحد باید ادامه پیدا کند. حضور زنان ایران بعد از چهار دهه برای تماشای مسابقه تیم ملی فوتبال ایران و کامبوج گام مثبتی است برای درهم شکستن کامل آپارتاید جنسی در سایر عرصه‌های سیاسی و اجتماعی. و این حضور به‌رغم تمام کمبودهایش دست‌آورد مبارزه زنان ایران است که آن را بر مرتجعین حاکم تحمیل کرده‌اند. پیروزی را باید قدم به قدم بدست آورد، آن را حفظ و تداوم بخشید.

مقاله زیر به قلم ریحانه طباطبایی است که موشکافانه به کالبد شکافی تبعیض جنسیتی در ایران پرداخته است. در زیر عین مطلب را می‌خوانید:

\*\*\*

مساوی با مردان دانست.

پیروزی زنان در رشته‌های علوم و ریاضیات و رشته‌های ورزشی مختلف در این روزها نیز تأییدست بیشتر بر توانایی‌های آنان و مشت محکم‌یست بر دهان یاوه‌گویان و تاریک‌اندیشان رژیم.

افتخار آفرینان سرزمین مان مدت‌های مدیدی است، تلاش دارند از جامه‌ای که به زور بر تشان به عنوان قربانیان کرده‌اند، بیرون آیند و از همین روست که رفتن به استادیوم ورزشی، پرواز خلبانان زن...هریک از این قدم‌ها که از منظر جهانیان شاید کوچک و بی‌اهمیت باشد، برای دختران و زنان سرزمین مان دریچه‌ای است روشن برای تحولی بزرگ در آینده‌ای نه چندان دور.

زنان ایران راهی بس دشوار و مسیری پُر پیچ و خم و پُر خطر در پیش دارند، اما عبور از آن ضرورتی است تاریخی در جریان مبارزات دموکراتیک. آنچه که رژیم را قدم به قدم به عقب‌نشینی وامی‌دارد همین اصل مبارزه است. حتی آخوندهای متحجر نیز ناگزیر شده‌اند علی‌رغم خواست محبوس کردن زن‌ها در مطبخ، عقب‌نشینی کنند. هر عقب‌نشینی آنان به منزله پیروزی برای زنان است. پیروزی زنان بر آنانی که سال‌هاست در پی حفظ تلفیق قوانین شرعی با قوانین اجتماعی بوده‌اند. و هر پیروزی شکستی است برای تاریک‌اندیشان مذهبی حاکم بر سرنوشت نیمی از نیروی فعال جامعه.

فردای روشن ایران مدیون مبارزات زنان و مردانی است که با استبداد، نابرابری‌ها و ناعدالتی‌ها پیکار کردند. آنان که چشم در چشم ارتجاع دوختند و تسلیم نشدند. آنان که ایستاده و با گردنی افراشته به پای جوخه‌های دار رفتند، آنان که رنج زندان، شکنجه و شلاق را بر جان خریدند، تا فرزندان این خاک و بوم شانس بهتر زیستن بیابند و آزادی را تجربه کنند.

**با فساد همه‌گیر در دستگاه حاکمیت باید با شمشیر تیز  
انقلاب مبارزه کرد**

من، تو و استاد یومی که من و تو را دوباره ما می کند

### مقاله‌ای از ریحانه طباطبایی:

ما با هم هم‌بازی بودیم، در کوچه پس‌کوچه‌های شهر با هم دوچرخه‌سواری می‌کردیم، دزد و پلیس، گرگم به هوا، با هم از درخت بالا می‌رفتیم، با هم زانوهایمان زخمی می‌شد و حتا با هم گل کوچک بازی می‌کردیم.

آن زمان که با هم در کوچه‌های محله‌مان بازی می‌کردیم، جنسیت مهم نبود، بچه بودیم و هم سن و سال. حتا یادتان باشد، ما در دوچرخه‌سواری می‌بُردیم، تندتر و جسورتر، گاهی از ما گل می‌خوردید و تعداد زخم‌های روی دست و پایمان برابر بود. با هم بزرگ شدیم تا روزی که آنقدر بزرگ شدیم که بعضی‌ها به اسم شرع و قانون مقابل دوچرخه‌سواری ما ایستادند، شما هنوز سوار بر دوچرخه بودید و ما پای پیاده با نگاهی پُر از حسرت، شما جای گل کوچک به استاد یومی رفتید و ما پای تلویزیون ماندیم با نگاهی پُر از حسرت.

کم کم از هم دور شدیم، شما عادت کردید به دنیای مردانه خود و ما عادت کردیم به این دنیای زنانه‌ای که برایمان ساخته بودند. سال‌ها طول کشید، سال‌ها پشت در استاد یومی ماندیم، آمدیم و راهمان ندادند و شما همبازی‌های دوران کودکی بی‌تفاوت و عادی از کنارمان رد شدید.

گذشت و گذشت، گریم کردیم و آمدیم کنارتان نشستیم، نفهمیدید همان بچه‌های کوچه‌های تنگی هستیم که با هم گل کوچک بازی می‌کردیم، آمدیم و فریاد زدیم، هی خودمان را به شما نشان دادیم، تا کم کم به یاد آوردید یک روز با هم دوچرخه‌سواری می‌کردیم، با هم از درخت بالا می‌رفتیم و با هم در کوچه با توپ دولایه بازی می‌کردیم.

کم کم شما هم حضور ما را در کنار خودتان زمزمه کردید، تا آن روز که سحر «دختر آبی»، یکی از همان همبازی‌های دوران کودکی خودش را سوزاند تا زمزمه‌ی شما برای رفع این نابرابری تبدیل به فریادی هرچند اندک و محدود شود.

حالا با کمک یا بی‌کمک فیفا، اما با ایستادگی خودمان، توانستیم این سد را بشکنیم و جایی ولو اندک کنار شما داشته باشیم.

اما! اما شمائی که فراموش کرده‌اید زمانی کنار هم در کوچه‌ها بازی می‌کردیم، حالا می‌خواهید به ما آداب حضور در استاد یومی را یاد دهید، نگرانید که برایتان از سعدی و حافظ بخوانیم، و

کلی برایمان دستورالعمل نوشته‌اید که در استاد یومی چه کنیم. بعضی از آنها خوب است، بالاخره در این دنیای مردانه‌ای که شما در نبود ما خلق کرده‌اید، خیلی چیزها را نمی‌دانیم و باید یاد بگیریم. اما فراموش نه کنید، بخشی از این آدابی که امروز به ما دیکته می‌کنید، در غیاب ما ساخته و پرداخته شده و می‌تواند تغییر کند. ما می‌توانیم همان طور که در کودکی باهم قوانین بازی‌ها را می‌ساختیم، امروز هم در کنار یکدیگر و با هم آدابی خلق کنیم که هر دو بلد باشیم. سخت نه گیرید، این دنیای مردانه‌ای که شما خلق کرده‌اید، باید ترک بخورد. می‌دانیم، سال‌ها عادت کرده‌اید، لحظاتی را دور از زن و بچه و خانواده در استاد یومی خودتان باشید، مردانه مردانه، اما بیایید با هم برگردیم به دوران کودکی، همان دورانی که کنار هم در کوچه‌ها می‌خندیدیم و کل کل می‌کردیم. بیایید کنار هم باهم بخندیم و کل کل کنیم و فریاد بزنیم.

راستی، این مدت خیلی نگران دستشویی رفتن ما در استاد یومی بودید. بارها تذکر دادید که آنجا دستمال نیست و چه و چه. مگر در این شهر و کشور چند دستشویی عمومی بوده و یا مگر دستشویی‌های بین شهری دستمال داشتند و مگر ما به یکباره از کره‌ای دیگر آمده‌ایم که شما آنقدر نگران مسائلی شده‌اید که ما تمام عمر با آن مواجه بوده‌ایم و اتفاقاً راه‌حل‌های مواجهه با آن را مدنی‌تر از شما یاد گرفته‌ایم.

یا نگران حرف‌های رکیک و آزارهای استاد یومی هستید. مگر این هم اتفاق جدیدی است؟ مگر از وقتی بزرگ شدیم و از هم جدا، کم در خیابان و کوچه و پس‌کوچه‌ها متلک شنیدیم و اذیت شدیم؟ و وقتی گلایه و اعتراض کردیم، انگشت اتهام به سمت خودمان گرفته شد.

بی‌خیال این حرف‌ها شوید. نخواهید برای حفظ این دنیای مردانه هويت ما را بگیرید. نخواهید جرات تجربه کردن را از ما بگیرید. ما می‌دانیم در استاد یومی سعدی نمی‌خوانند. بیایید همان طور که در کودکی کنار هم بودیم، امروز هم کنار هم باشیم، با هويت خودمان، همان گونه که همیشه بودیم. نهایتاً چندبار سوتی خواهیم داد، چند بار جواب شعارهایتان را غلط خواهیم داد، اما همان طور که در کودکی پا به پای هم رفتیم، و شجاعت و اعتماد به نفس یکدیگر را نگرفتیم، امروز هم همان طور باشیم، باهم باشیم مانند آن روزها که در مقابل همسایه بد اخلاق و اخمو، که توپ‌مان را پاره می‌کرد، متحد بودیم، پشت به پشت هم، دوشادوش هم.



ضد کارگری و ضدملی بود که حجم تولیدات این شرکت هر روز کمتر شد، بطوری که امروز تنها ۱۵ درصد از ظرفیت تولیدی این شرکت فعال است.

نابودی صنایع عظیم شرکت‌های قول پیکر در نظامی است که هیچگاه بطور جدی به تولیدات داخلی توجه نداشتند و از آن حمایت نهموده است. روشن است مدیران و صاحبان دزد و چپاول گر در شرایط رکود اقتصادی، که در ماهیت سیستم سرمایه‌داری است، قدرت پرداخت دستمزهای هزاران کارگر بیگانه‌ی راه، که در رونق آن دخالت داشتند و تاثیرگذار بودند، ولی محرم در مدیریت آن نبودند، ندارند. کارخانه عظیم هپکو هم دچار همین مشکل شده است ولی رژیم سرمایه‌داری ایران با ادامه سیاست‌های ضدبشری نئولیبرالی درصدد نیست از این سیاست‌ها دست کشد، زیرا در ماهیت‌اش نیست. این رژیم در سیاست‌های ضد ملی هم صبر عیوب دارد و هم پشتکاری بی‌خداش! او در این راه ضد کارگری مصمم است. آفرین بر این شجاعت!

اعتراضات کارگران این شرکت از سال ۱۳۹۶ و به خاطر تعویق حقوق‌های ماهانه آغاز شد. در مرداد امسال موج جدید اعتراضات آغاز شد. مدیران بی‌لیاقت به خواسته‌های کارکنان این شرکت بی‌اعتنا بودند و مسئولین محترم دولتی هم حامی این مدیران بی‌لیاقت. کارگران برای احقاق حقوق‌شان دست به اعتصاب زدند. در دور دوم اعتصابات که از ۱۴ مهر ماه آغاز شد، خواستار پرداخت حقوق معوقه و تعیین تکلیف شرکت و خلع ید از سهام‌داران شدند که این اعتراضات با حمله ارادل و اوپاش نیروی امنیتی روبرو شد. چون مسئولین و مقامات به خواسته‌های کارگران واقعی نهنهادند، کارگران تصمیم گرفتند برای رساندن صدایشان به مسئولین، اعتراضات را به بیرون از کارخانه هدایت کنند و این برای دولت تزویر و دروغ شیخ حسن خوشایند نه‌بود. در ادامه این اعتراضات پلیس و نیروی انتظامی وارد عمل شد و ضمن ضرب و جرح کارگران

## پیرامون اعتصاب و اعتراضات درخشان کارگران «آذرآب اراک»

شرکت «آذرآب اراک»، ابر شرکت هولدینگ و یا پیمانکاری ایرانی است. این کارخانه محصولات مادر صنایع بزرگی را عرضه می‌کند، از جمله زیرساخت‌های صنعتی پالایشگاه‌های گاز، نفت، پتروشیمی، فولاد، صنایع قند و شکر و سیمان، نیروگاه‌های برقی آبی، حرارتی، گازی و به خصوص نیروگاه‌های هسته‌ای و تولیدات تمامی تجهیزات مربوط به آنها. از جمله طراحی و ساخت و نصب توربین و مخازن تولید فشار از طریق ارایه فشار بخارهای چند صد تنی در هر ساعت در این کارخانه قول پیکر تولید می‌شود.

این ابر شرکت با سرمایه‌گذاری دولتی در سال ۱۳۶۳ در چنین بُعد عظیمی آغاز به کار کرد و شرکت نسبتاً موفق هم بود که چند هزار کارگر در آن مشغول بودند. پس از اینکه دولت سرمایه‌داری ایران سیاست «تعدیل ساختاری» را پیشه کرد، این کارخانه مدرن در سال ۱۳۸۵ توسط دلقکی به نام محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور دردانه شخص رهبری به بخش خصوصی واگذار و با واگذاری و فروش ۱۶۴۰۰ سهم وارد بورس تهران شد. مدیران جدید این کارخانه عظیم به دست عده‌ای رانت‌خوار افتاد که طبعاً قادر نبودند چنین شرکت قول پیکری را اداره کنند. این ابرتولیدکننده در آغاز با شرکت‌های بزرگ اتریش، اسپانیا و غیره همکاری‌های گسترده‌ای داشت. دولت شیخ حسن روحانی، این متزور کلاش، بخش اعظم پروژه‌های داخلی را که در دست این کارخانه بود، به بهانه عدم تخصص لازم، لغو و به شرکت‌های خارجی واگذار کرد که تحریم‌های ضدبشری امپریالیسم آمریکا به‌تواند به مشکلات تولیدات داخلی و صادراتی کشور به‌افزاید. در پی این دو عامل



## اسماعیل بخشی آزاد شد! برای آزادی سایر زندانیان سیاسی به کوشیم

طبق خبری از سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه اسماعیل بخشی امروز چهارشنبه ۸ آبان پس از تودیع وثیقه هفصد و پنجاه میلیونی به طور موقت آزاد شد. چندی پیش «سپیده قلیان»، «عاطفه رنگریز»، «مرضیه امیری»، «ساناز الهیاری»، «امیرحسین محمدی فرد» و «امیر امیرقلی» فعالین کارگری که در رابطه با تجمع اول ماه سال جاری و یا در سال گذشته بازداشت و محاکمه شده بودند، با پرداخت وثیقه آزاد شدند.

حزب کار ایران (توفان) ضمن شادباش به این کارگران مبارز، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط سایر زندانیان سیاسی است، زندانیانی که سودائی جز خوشبختی و سعادت برای مردم و محو تبعیض و ظلم و ستم در سر ندارند.

برای آزادی فوری و بی قید و شرط همه زندانیان سیاسی به کوشیم و صدایشان باشیم! •

شریف وطن با گاز اشک آور و باتوم، ۲۱ تن کارگر بیگناه را که طالب رونق بخشیدن به تولیدات کارخانه بودند، ربودند و راهی زندان کردند. تعدادی از زخمی شدگان برای معالجه به بیمارستان رجوع کردند ولی هجوم چماقداران نظام منفور جمهوری اسلامی به بیمارستان، کارگران زخمی شده را مجبور ساخت اجاراً از بیمارستان هم بگریزند. در پی یورش پلیس حامی عده‌ای غارت‌گر بر علیه توده‌های زحمتکش، کارگران این مجموعه بیانیه‌ای منتشر کردند. در بخشی از بیانیه صادره می‌خوانیم:

«امروز جواب چشمان پُراشک خانواده‌های ما را دادید! امروز خشم ما را دو چندان کردید! حق ندارید برادرانمان را بازداشت کنید. ما این خیابان‌ها را کنار هم طی کردیم و کنار هم می‌مانیم.»

مخالفت، اعتراض و مبارزه بر علیه سیاست‌های خانمان‌برانداز خصوصی‌سازی در چارچوب سیاست‌های نئولیبرالی را فقط در کارخانه «آذرآب اراک» نمی‌بینیم. ما شاهد اتخاذ چنین سیاست‌های ویرانگری در تمام عرصه‌های آموزشی، فرهنگی، هنری، ورزشی و تولیدی هستیم. از حال و روز کارخانه بزرگ هپکو، مجتمع عظیم نیشکر هفت تپه باخبریم و در امتداد آن شاهد مبارزات کارگران و کارمندان کارخانه‌های فوق هم هستیم. امروز کارگران دیگر کشورهای جهان از سانتیاگو تا شهرهای مختلف اکوادور، از جلیقه زردهای خیابان‌های پاریس، تا هفت تپه و آذرآب اراک زبانی مشترک و خواستی مشترک دارند. در جای جای جهان مبارزات زحمتکشان تطبیقی است از خواست‌های صنفی و سیاسی هر دو. و این نشان از خودآگاهی نسبی طبقاتی زحمتکشان دارد حتی در آن گوشه‌ای از جهان که نه از آزادی مطبوعات خبری است و نه از آزادی احزاب کارگری. در سرتاسر جهان، زحمتکشان معترض سیاست‌های نئولیبرالی به خیابان‌ها آمده‌اند. همبستگی و هم‌سرنوشتی کارگران چون خاری است بر چشم عالیجنابان حامی نئولیبرالیسم چه در تهران، چه در پاریس و چه در سانتیاگو.

هیچ آزاده‌ای نیست که از چنین مبارزاتی دفاع نه کند. چنین مبارزاتی بدون تردید پیروزی‌هایی را نیز به دنبال خواهد داشت. پیروزی نهایی اما تنها از طریق سازمان‌یابی و تشکل‌سازی است، تشکل‌های میسر می‌گردد.

پر توان باد پرچم مبارزاتی پر افتخار کارگران آذرآب اراک پیش به سوی یک پارچگی و سازمان‌یابی زحمتکشان ایران •

## چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است



در ایران موقعی که به خیابان آمدند، منتظر حمایت آمریکا بودند، ما می‌خواستیم آمریکا رژیم جمهوری اسلامی را تحریم کند، آمریکا سپاه پاسداران را تحریم کرد، ما می‌خواستیم که رادیو - تلویزیون ایران تحریم شود، ولی آمریکا این کار را نه کرد،..... ایران و روسیه از رژیم بشار اسد حمایت کردند و او جنگ داخلی را بُرد و هنوز سر کار است و پس از خروج نیروهای آمریکائی از کردستان سوریه مردم ایران می‌پرسند که آیا ما می‌توانیم به آمریکا اعتماد کنیم؟ من به عنوان فعال حقوق بشر نگران آن هستم که آمریکا حقوق بشر در ایران را در زیر قرارداد اتمی دیگری دفن کند».

«مسیح علی‌نژاد» از دشمنان مردم ایران، که یک بار در ایران کودتا کرده‌اند، خواسته و می‌خواهد که بیایند ایران را آزاد کنند. او از تحریم ایران دفاع می‌کند، معلوم نیست این حق را این خانم از کجا به دست آورده که جنایتکاران آمریکائی را همه کاره جهان و منجی دنیا قلمداد می‌کند. این ننگ تاریخ است.

همدستی با صهیونیسم و امپریالیسم نفرت‌انگیز است. بیچاره کسانی که برای لقمه‌ای نان شرافت خود و کشورشان را می‌فروشند

«مسیح علی‌نژاد» از تحریم و تجاوز نظامی به سوریه دفاع می‌کند؛ از تحریم و تجاوز نظامی البته «هوشمندانه!» به ایران نیز دفاع می‌کند و مشوق تجاوز نظامی به میهن ما ایران است. هرگونه تغییر و تحولی در ایران، از جمله سرنگونی، یک امر داخلی است و این وظیفه مردم ایران است و نه نیروهای درنده امپریالیستی که قصدشان غارت ویرانی است و نه احترام به حقوق بشر!

نگ بزرگ بر همه وطن‌فروشان!

<https://finance.yahoo.com/video/iranian-journalists-continued-campaign-against225043240.html?guccounter=1>



## مسیح علی‌نژاد ابزار دست

## امپریالیسم آمریکا

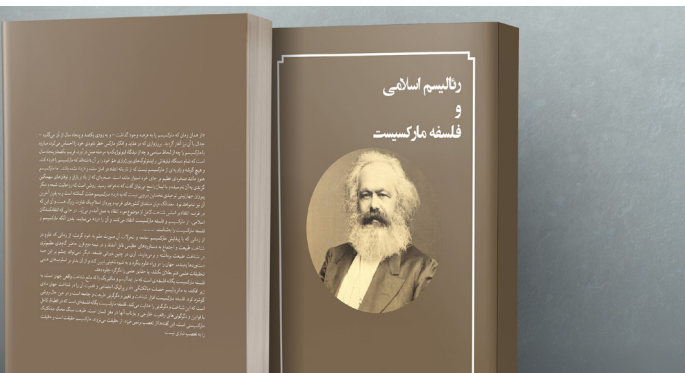
(مصاحبه با فاکس نیوز)

تلویزیون دست راستی فاکس نیوز انتقادات زیادی از عملکرد ترامپ دارد و منجمله مسئله خارج کردن نیروهای آمریکائی از کردستان سوریه. و اینکه با این رفتار مردم دنیا اعتماد خود را از آمریکا از دست می‌دهند. بسیاری از جمهوری خواهان و دمکرات‌ها همین حرف را می‌زنند.

«مسیح علی‌نژاد»، این خودفروخته سیاسی، در این مصاحبه به نکات زیر اشاره می‌کند:

«جمهوری اسلامی به خانه برادریم ریخته است، تا من که جنبش زنان ایران علیه حجاب اجباری را رهبری می‌کنم به سکوت وادارم».

مصاحبه کننده فاکس نیوز سریعاً گفتگو را به حمله ترکیه به سوریه و خارج نمودن نیروهای آمریکا از کردستان سوریه می‌کشانند. و نظر «مسیح علی‌نژاد» را می‌پرسد. او جواب می‌دهد که بسیاری از دمکرات‌ها و چپ‌ها می‌گویند که ترامپ خواهان جنگ در خاورمیانه است، ترامپ جنگی در خاورمیانه نمی‌خواهد، پس از بیرون آوردن نیروهای آمریکا از کردستان مردم سوال می‌کنند که آیا می‌شود به آمریکا اعتماد نمود، مردم



جهت تهیه این اثر با ارزش از رفیق دکتر فروتنی با ما تماس حاصل فرمائید



## در جبهه نبرد طبقاتی

اخبار و گزارشات کارگری مهرماه ۱۳۹۸

در اثر پایداری و مبارزه کارگران و فعالین کارگری، مدنی، هنری، ادبی و ... در داخل و خارج از زندان، و مبارزه متحد تشکلات مستقل صنفی و سیاسی در حمایت از مطالبات کارگران و زندانیان سیاسی، به پیروزی مهمی دست یافت و تعدادی از زندانیان آزاد شدند. اگرچه هنوز بخشی از فعالین کارگری در زندان‌اند، اما تا همین که رژیم وادار به عقب‌نشینی گردید، گامی ولو کوچک و هم به پیش است و این امر بر اعتماد به نفس کارگران و روحیه رزمندگی آنها می‌افزاید. روز شنبه چهارم آبان ۹۸، «سپیده قلیان»، «عاطفه رنگریز»، «مرضیه امیری»، «ساناز الهیاری»، «امیرحسین محمدی فرد» و «امیر امیرقلی» با قرار وثیقه آزاد شدند. آزادی این عزیزان بر همه کارگران، فعالان کارگری و خانواده‌های آنان مبارک باد! با آرزوی آزادی همه کارگران زندانی و با امید به روزی که هیچ انسان آزاداندیشی به خاطر حق‌طلبی و باورهایش دستگیر و زندانی نه‌شود. می‌بایست با ادامه مبارزه، خواستار آزادی بدون قید شرط «ندا ناجی»، «اسماعیل بخشی» و «عسل محمدی»، «محمد حبیبی» و دیگر زندانیان شد.

مهر ماه، ماه آغاز فراگیری و ماه آغاز به کارگیری آنچه آموخته‌ایم است. ولی افسوس که بعضی از معلمان و دانشجویان در زندان‌اند و یا از مدرسه و دانشگاه اخراج شده‌اند و مسئولین نظام کماکان نمی‌خواهند به‌داند که نمی‌توان با

فریب، استدلالات آبکی و سرکوب راه به جایی بُرد و به مبارزه معلمان و دانشجویان و دانش‌آموختگان پایان داد. و مدارس و دانشگاه‌ها را با سیاست «ایران برپادده خصوصی‌سازی» به غارت بُرد و زمینه را برای ورود سرمایه موسسات مالی امپریالیستی آماده کرد. معلمان و دانشجویان و دانش‌آموزان در کنار دیگر زحمتکشان به مبارزه خود علیه رژیم سرمایه‌داری ادامه می‌دهند و قدمی عقب نخواهند نشست. روحانی در استدلالات مزورانه خود، که نشان از ماهیت سیاست‌های نئولیبرالی او و رژیم سرمایه‌داری اسلامی دارد، در آیین بازگشایی دانشگاه‌ها گفت: «دانشگاه را باید به بخش خصوصی وصل کرد. بخش خصوصی آن کسی است که نیمه‌شب هم برای کسب درآمد بیرون می‌رود، منتظر صف و مشتری است، اما کارمند ساعت کاری دارد و منتظر تمام‌شدن مشتری است. کار خصوصی و دولتی فرق دارد و ما باید دانشگاه را به بخش خصوصی نزدیک کنیم ...». و حتماً به همین دلیل است که کارخانه‌ها را یکی بعد از دیگری به ورطه ورشکستگی می‌کشاند و جز مفت‌خوری کارخانه‌ها و معادن و ... و ملاحوری وام‌های بانکی کاری از دستشان بر نمی‌آید. در چنین وضعیتی، که دروغ و فریب به فرهنگ غالب مسئولان تبدیل شده است و هر کسی برای سهم بیشتر از «سفره انقلاب» مدیحه‌سرای مسئولان بالایی نظام می‌شود، است که راهی دیگر برای سهم بَری پیدا می‌شود و آن نیز سبقت گرفتن از همدیگر برای سرکوب مردم و خیانت به ایران و ایرانی است و در چنین حالتی بهشت را نیز با سرکوب کارگران و معلمان و روشنگران جامعه و شرکت در غارت مردم به دست می‌آورند. «قاضی مقیسه» می‌گوید: «با صدور حکم متهمان هفت‌تپه، آخرتم را خریدم». نان «قاضی مقیسه» و

بند عمومی ۲۰۹ زندان اوین اعتصاب غذای خشک را شکست، اما همچنان اعتصاب غذای خود را به صورت اعتصاب غذای تر ادامه می‌دهد. او در مدت یکماه گذشته شدیداً تحت انواع فشارهای روحی و فیزیکی برای اعترافات اجباری بوده است. بازجویان امنیتی به او پیشنهاد دادند در صورت همکاری به سر کارش برمی‌گردد و تمام حقوق‌اش بازگردانده می‌شود که ایشان صریحاً گفته‌اند: من به قیمت جانم از آرمان‌های ملت و خودم دفاع می‌کنم. حال ایشان در وضعیت خیلی خطرناکی قرار دارد که به سختی توان صحبت کردن دارند.

#### ۶ مهر

«سید رسول طالب مقدم» به اتهامات واهی، فعالیت تبلیغی علیه نظام و اخلال در نظم عمومی به ۷۴ ضربه شلاق، دو سال حبس تعزیری، دو سال تبعید به منطقه آفرایز از توابع بخش سده خراسان جنوبی و دو سال محرومیت از عضویت در دستجات و احزاب و گروه‌های سیاسی و اجتماعی گردیده است.

#### ۱۳ مهر

«عاطفه رنگریز» و «سپیده قلیان» در حمایت از دو زندانی جرائم عمومی زندان قرچک به نام‌های «صغری افتخاری» و «اکرم بایرامی» و در اعتراض به نگهداری آن‌ها در سلول انفرادی، مقابل درب سلول‌های انفرادی تحصن کرده و اعلام نمودند اگر مدیریت زندان به وضعیت این دو زندانی رسیدگی نه کند، دست به اعتصاب غذا خواهند زد که مسئولین زندان قرچک این دو زندانی را از انفرادی خارج کردند و «عاطفه رنگریز» و «سپیده قلیان» به تحصن خود پایان دادند. درود بیکران به شیر زنان و شیر مردان طبقه کارگر!

#### ۱۵ مهر

به علت عدم موافقت دادستان و دخالت «جعفری چگنی»، رئیس دادگستری شوش وثیقه‌های قبلی کارگران بازداشتی به دو برابر افزایش یافت. و این در حالی است که کارگران حتی اگر دستمزد ناچیز خود را نیز به موقع دریافت کنند، توان پرداخت حداقل نیازهای زندگی خود را نیز ندارند و با مشکلات فراوان دست به گریبانند. و به همین علت همگی کارگران به علت عدم تودیع وثیقه در بازداشت هستند. در حالی که شاکتی کارگران، کارفرمای شرکت آقای «اسدیگی» است، که نامبرده متهم به اخلال در نظام اقتصادی کشور است. چرا «اسدیگی» که متهم به اخلال در نظام اقتصادی کشور است، آزاد است، اما کارگرانی که به دنبال امنیت شغلی و معیشت خود هستند، دستگیر می‌شوند و به زندان می‌افتند؟

«محمد حبیبی» و «فرهاد میثمی» نامه‌ای سرگشاده خطاب به سیاست‌گذاران قوه قضائیه و سازمان زندان‌ها نوشته و اعلام داشتند که از این پس به قوانین آن‌ها در زندان‌ها تمکین نخواهند کرد. در این نامه آمده است که: «از این لحظه، تا زمانی که به رعایت حقوق انسانی و قانونی زندانیان متعهد

امثال او آغشته به خون و رنج کارگران و زحمتکشان است. ولی بی‌دلیل گمان برده‌اند که با دروغ، فریب و سرکوب می‌توانند بهشت خود را بر روی زمین جاودانه سازند. باید بدانند که جنبش کارگری کهن سال و سرد و گرم چشیده ایران، که در پرونده مبارزاتی خود دو «انقلاب مشروطه و بهمن» را دارد و دو کودتا را به خود دیده و علی‌رغم جزر و مدها و فراز و فرودهای فراوان، به راه خود ادامه می‌دهد و سرانجام با نیروی متحد خود به عمر گنبدیده نظام سرمایه‌داری پایان خواهد داد. در اینجا جا دارد تا به سرمایه‌داران و دولت‌های آنان در ایران و جهان از قول «سعدی» گفت: «مگسی کجا تواند که بیفکند عقابی».

در زیر با توجه به محدودبودن صفحات توفان الکترونیک بخشی از اخبار مبارزاتی رخ داده در مهر ماه را می‌آوریم:

\*\*\*

### زندانیان کارگری

#### ۱ مهر

«ساناز الهیاری»، «عسل محمدی»، «مرضیه امیری» و «ندا ناجی» در نامه سرگشاده‌ای، ریشه اعتراضات کارگری را مطرح و به برخوردهای سرکوب‌گرانه مأموران امنیتی با فعالان اجتماعی، کارگری و روزنامه‌نگاران و احکام سنگینی که دستگاه قضائی علیه آنان صادر کرده، انتقاد نمودند. آنها همچنین ضمن مقایسه احکام صادر شده برای فعالان مدنی با احکامی که برای متهمان پرونده‌های فساد اقتصادی صادر شده، احکام صادره قوه قضائیه را ناعادلانه و تبعیض‌آمیز خواندند.

#### ۲ مهر

دادگاه تجدیدنظر بدون برگزاری جلسه دادگاه و به صورت غیابی حکم ۷ سال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق «پریسا رفیعی» فعال صنفی دانشگاه تهران را عیناً تأیید کرد. این بی‌دادگاه‌ها و احکام آن‌ها یادآور محاکمات دهه ۶۰ است.

«حسن سعیدی» به پنج سال حبس تعزیری و ممنوعیت عضویت در احزاب، گروه‌ها و دستجات سیاسی و اجتماعی به مدت دو سال محکوم شد. صدور این رأی ظالمانه در حالی است، که فعالیت‌های ایشان در دفاع از معیشت و حقوق کارگران بوده است. برای جلوگیری از فعالیت‌های حق‌طلبانه «حسن سعیدی»، ایشان از سال ۸۴ تاکنون بارها با پرونده‌سازی از کار اخراج شده است. او آخرین بار در سال ۹۱ از کار اخراج شد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه صدور آراء قضایی محکومیت برای اعضای سندیکا و دیگر فعالین مدافع حقوق کارگران و معلمان را محکوم می‌کند و خواهان آزادی بی‌قید و شرط آنان می‌باشد.

#### ۳ مهر

«زرتشت احمدی راغب» که در اعتراض به بازداشت غیر قانونی در بند انفرادی در اعتصاب غذای خشک بود، پس از انتقال به

نه شوید، از رعایت آنچه قواعد زندان‌های خود می‌دانید، سرباز می‌زنیم و آن را به رعایت حقوق حداقلی مان توسط شما موکول می‌کنیم».

۱۸ مهر

«ناهد خداجو» به ۵ سال حبس تعزیری، به اتهام واهی «اخلال در نظم عمومی» به یکسال حبس تعزیری و ۷۴ ضربه شلاق تعزیری محکوم گردید. اتحادیه آزاد کارگران ایران در بیانیه‌ای حکم بی‌دادگاه را محکوم نمود و در بیانیه خود آورده است که: «نهادهای مسئول و سیستم قضائی به جای برخورد امنیتی با هرگونه فعالیت‌های صنفی و سرکوب فعالین، به تأمین خواست و مطالبات کارگران و مزدبگیران ایران اقدام نمایند و گرنه با ادامه سیاست سرکوب در مقابل خواست معیشتی جامعه، قطعاً باد خواهند کاشت و توفان درو خواهند کرد. ...».

دادگاه تجدیدنظر، حکم ناعادلانه یکسال حبس تعزیری به اتهام واهی «تبلیغ علیه نظام» را برای «پروین محمدی»، «علیرضا ثقفی» و «هاله صفرزاده» تأیید کرد.

۱۹ مهر

دادستان تهران با آزادی مشروط «محمود بهشتی» مخالفت کرد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی پرونده‌سازی و صدور احکام ظالمانه برای اعضای سندیکا را با صدور اطلاعیه‌ای محکوم کرد. در این اطلاعیه آمده است که: «سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه فشارهای پلیسی-امنیتی-قضایی علیه اعضای سندیکارا شدیداً محکوم می‌کند و خواستار توقف پرونده‌سازی علیه اعضای سندیکا و آزادی فوری و بی‌قید و شرط بازداشت‌شدگان روز جهانی کارگر، کارگران زندانی نیشکر هفت تپه، معلمان زندانی و حامیان کارگران دربند شد».

۲۲ مهر

در بیانیه ۱۷ زندانی زن سیاسی آمده است که: «دیر زمانست که استبداد و استثمار توأمان جز چتر خفقان و گرسنگی و فقدان بر سر مردم این سرزمین نگسترده است. در تمام این سال‌ها کشاکش قدرت مسلط با آزادی‌خواهی و عدالت‌طلبی در جریان بوده است. در یک سو حاکمیت با تمام ابزارهای سرکوب و در سوی دیگر جان‌های آزاده‌ی مردان و زنان با تمام آنچه داشته‌اند از قلم‌شان تا جان‌شان. این کشاکش و نبرد به صریح‌ترین شکل در مواجهه حاکمیت با مادران و مادرانگی طی سال‌ها نمایان شده است. ... ما زنان این مرز و بوم در این سو یا آن سوی دیوار زندان بر این باوریم که وجدان بیدار جامعه، تاب این ستم‌ها را نخواهد آورد و نه دیر هنگام، بلکه در سبیده‌ی دمی نزدیک، با عمل و اراده و هر لحظه، رهایی مادران رنج کشیده این سرزمین را فراهم خواهد ساخت. ...»

۲۴ مهر

کانون نویسندگان ایران تأیید حکم‌های بدوی برخی

فعالان کارگری و فرهنگی در دادگاه‌های تجدیدنظر را محکوم ساخت. در بیانیه کانون آمده است که: «... هدف از صدور حکم‌های سنگین و بازداشت‌های فراوان چیزی جز هراس‌افکنی و خاموش کردن اعتراض‌ها و سنگین و ترسناک کردن هزینه‌ی انتقاد و اعتراض نیست. تأیید حکم‌های دادگاه‌های بدوی در دادگاه‌های تجدیدنظر نیز اجرا و انجام همین هدف را دنبال می‌کند و مکمل مراحل پیشین است. تأیید حکم اولیه در حقیقت تأیید دادگاه و قاضی و روند دادرسی نیز هست. تأیید همه‌ی آن برخوردهایی است که از روزهای آغازین پرونده‌سازی با «متهمان» می‌شود. وقتی مراجع بالاتر در بیشتر - نزدیک به همه - موارد نتایج و رفتارهای مراجع پایین‌تر را تأیید می‌کنند، یعنی: ادامه بدهید! همین‌طور پیش بروید! این‌گونه تأیید در خود تشویقی نهفته دارد و به تکرار و تداوم برخوردها می‌انجامد. زیرا هدف تعریف شده برای دستگاه قضایی، سیاسی است و راه و روش‌ها نیز ناگزیر سیاسی می‌شود. از چنین دستگاهی انتظار رفتار قضایی نباید داشت. ...»

۲۵ مهر

«عاطفه رنگریز» هنوز در اعتصاب غذا به سر می‌برد. تا چنین شیر زنانی وجود دارند، طبقه کارگر ایران ما سیاست‌های نئولیبرالی را هرگز نمی‌پذیرد. او در نامه خود آورده است که: «...از اینرو بدن خود را سلاحی می‌کنم در برابر این همه بی‌عدالتی که بر ما گذشت و می‌گذرد و اعتصاب غذای خود را در اعتراض به عدم پذیرش غیرقانونی وثیقه‌ای که تاکنون پنج بار با در بسته و دیوارها روبرو شد و همچنین صدور احکام ناعادلانه و نگهداری غیرقانونی در زندان قرچک اعلام می‌کنم. نیک آگاهم که جان من برای آنان که به بازی‌اش گرفته‌اند ارزش محافظت ندارد، و این رنج را برای شکستن این دیوار سکوت که قتل خاموش جامعه‌ی مدنی و صدای حق‌طلبی ما است، تحمل می‌کنم. ...»

۳۰ مهر

«عاطفه رنگریز»، فعال کارگری در زندان قرچک ورامین، با تأمین یکی از خواسته‌های خود، مبنی بر پذیرش قرار وثیقه به اعتصاب غذای خود پایان داد. قرار وثیقه وی از دو میلیارد تومان به نصف این مبلغ کاهش پیدا کرد. وی از تاریخ ۲۴ مهرماه دست به اعتصاب غذا زده بود.

«سپیده قلیان» در یک پیام صوتی از زندان قرچک اعلام داشت که دست به اعتصاب غذا زده است. او در این پیام صوتی گفته است که: «من از روز یکشنبه، دست از خوردن غذا و آب کشیده‌ام. دست از آزار من و خانواده‌ام بر نمی‌دارند. خسته شده‌ام. مگر من چه قدر توان دارم؟ می‌خواهم هیأتی از قوه قضائیه برای بررسی وضعیت زندان قرچک بیاید».

فرهنگیان

۶ مهر

اعلام کردند. در پایان در بیانیه‌ای که از طرف فعالین صنفی دانشگاه تهران صادر شد، چنین آمد: «...تاریخ، ما را قضاوت خواهد کرد. در زمانه‌ای که رنج تنوره می‌کشد و انسان آواره می‌شود، در زمانه‌ای که حاکمیت سوار بر هیولای بازار همه جا را در می‌نوردد، بسیاری از دانشجویان در انفعالی سیاسی، خزیده در فردیت حریص و سردرگم خویش به دنبال بیرون کشیدن گلیم خود از این آب گل آلوداند. با این حال، سعادت امری جمعی است چنانکه نگون‌بختی. این آوازه‌ای است که باید مدام در گوشمان طنین بیاندازد. این مسئولیت اجتماعی ما است که بی تفاوت نباشیم. مسئولیت اجتماعی ماست که بی‌قرار باشیم! که ما هنوز هم، شادان و پایکوبان فریاد برمی‌آوریم: مقاومت، زندگیت، خواه زندانی در چشم‌انداز باشد، خواه دانشگاهی».

#### هفت تپه

##### ۱ مهر

بعد از اعلام خبر اخراج یا عدم تمدید قرارداد، ۲۱ کارگر نیشکر هفت تپه، تمامی کارگران بخش‌های داخلی شرکت از جمله اداره تجهیزات مکانیکی قسمت کارخانه تولید شکر و همچنین امور زیربنایی در حمایت از همکاران و هم‌طبقه‌ای‌های خود دست از کار کشیدند و نسبت به این عمل ضد کارگری و زشت کارفرما در روبروی دفتر مدیریت شرکت تجمع کردند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ضمن محکوم کردن اخراج این کارگران شریف و زحمتکش، خواهان بازگشت به کار تمامی این عزیزان شدند.

##### ۳ مهر

با وجود تهدیدات امنیتی، اعتصاب کارگران هفت تپه وارد سومین روز خود شد. ۸ تن از کارگران به اداره پلیس امنیت شهرستان شوش احضار شدند «یوسف بهمنی» که در بین کارگران سخنرانی کرد، نیز در میان آنان است.

##### ۷ مهر

با حضور پلیس اطلاعات و امنیت در حراست شرکت با همکاری «شکوهی»، مسئول حراست شرکت، از طریق اداره مذکور، ۴۰ نفر از کارگران به صورت تلفنی احضار شده‌اند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، احضار و تهدید کارگران را شدیداً محکوم کردند و خواهان بازگشت به کار تمامی این عزیزان زحمت کش و شریف شدند.

##### ۸ مهر

نزدیک به ۱۵۰ کارگر دیگر در شرف اخراج از کار به بهانه عدم نیاز و عدم تمدید قرارداد مجدد، از کار اخراج می‌شوند. کارفرما و مدافعان آنها، با وعده‌های سرخرمی، مبنی بر اینکه جمعی از افراد اخراج شده، می‌توانند به سر کارهای خود برگردند، در واقع تلاش دارند که با این حيله، صفوف متحد کارگران را درهم‌شکنند.

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) درباره عدم رعایت حقوق معلمان زندانی بیانیه‌ای صادر کرد که در آن می‌خوانیم: «... مسئولان امنیتی و قضایی، تنها در نیمه اول سال ۱۳۹۸ بیشتر از ۶۰ معلم را احضار، بازداشت، بازجویی، محاکمه و زندانی کرده‌اند و در طول حدود دو دهه فعالیت کانون‌های صنفی معلمان ایران صدها نفر بازداشت، زندانی، اخراج، انفصال از خدمت، تبعید، بازنشسته اجباری و... شده‌اند و در حال حاضر (مهرماه ۱۳۹۸) محمود بهشتی، اسماعیل عبدی، محمد حبیبی، عبدالرضا قنبری و ده‌ها معلم دیگر زندانی نظامی هستند که معلمی را شغل انبیا می‌دانند!؟»

کانون صنفی معلمان ایران (تهران) ضمن محکوم کردن تحمیل شرایط زندان برای معلمانی که فعالیت صنفی می‌کنند، محدود کردن آزادی‌های مشروع و قانونی و جلوگیری از ملاقات‌های حضوری برخی از آنان انتقال ناگهانی و بدون ذکر دلیل محمد حبیبی از بند ۴ به بند ۸ اقدامی در جهت آزار و محدودیت بیشتر برای این معلم و فعال صنفی دانسته و محکوم می‌نماید. «...»

##### ۸ مهر

تجمع معلمان نهضت سوادآموزی استان لرستان در پی اعلام عدم نیاز آنان از سوی اداره کل آموزش و پرورش ۸ روز پس از سال تحصیلی

##### ۱۱ مهر

تجمع فرهنگیان در مقابل اداره آموزش و پرورش اصفهان: شماری از فرهنگیان تبریزی مطابق فراخوان قبلی در اعتراض به پاسخ نگرفتن در مورد مطالبات‌شان در مقابل اداره آموزش و پرورش در تبریز تجمع کردند.

#### دانشجویان، فرزندان و یاوران کارگران

##### ۲۴ مهر

دانشجویان در اعتراض به حضور حسن روحانی، احکام صادره علیه دانشجویان، در دانشگاه تهران دست به تجمع اعتراضی زدند، دانشجویان ضمن فریاد زدن مطالبات خود، با کارگران، معلمان و سایر اقشار تحت ستم جامعه اعلام همبستگی کردند. دانشجویان معترض به زندانی شدن همکلاسی‌هایشان و برخوردهای امنیتی با کارگران، معلمان و دانشجویان اعتراض کردند.

آنها با سردادن شعارهایی چون: «دانشگاه پول گردان، زحمتکشان در زندان»، «برخورد امنیتی محکوم است! محکوم است!»، «کارگر! دانشجو! معلم! اتحاد اتحاد»، «کلاس درس خالی»، «دانشجو زندانی»، «از هفت تپه تا تهران، زحمتکشان در زندان»، «دانشگاه پولی شد، دانشجو زندانی شد»، «دانشجو! کارگر! ایستاده‌ایم در سنگر» و همچنین با در دست داشتن تصاویری از دانشجویان دربند از جمله «مرضیه امیری» حمایت خود را از آنان و انزجار خویش را از سیاست‌های سرکوب‌گرانه و امنیتی

«ایمان اخضری»، «محمدخنیفر»، «ابراهیم عباس منجزی»، «یوسف بهمنی» و «محمود خلدایی» در چهاردهمین روز اعتصاب و تجمع کارگران نیشکر هفت تپه در اعتراض به خصوصی سازی شرکت توسط نیروهای امنیتی استان خوزستان دستگیر شدند. کارگران هفت تپه و دیگر کارگران و زحمتکشان ایران خواهان آزادی آنان و دیگر زندانیان جنبش کارگری و زندانیان سیاسی دیگر هستند. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه بازداشت کارگران را، که عملی به غایت ناپسند، زشت و ضد کارگری است، محکوم کرد و خواهان آزادی بی قید و شرط تمامی بازداشت شدگان شد.

#### ۱۵ مهر

حضور کارگران قسمت های بیشتر شرکت، از جمله کارگران کشاورزی بعد از بازداشت های گسترده و اخراج تعدادی از همکاران خود در تجمع اعتراضی. «کرامت پام» در پانزدهمین روز تجمع و اعتصاب و اعتراض کارگران به خصوصی سازی شرکت و دستگیری گسترده و پرونده سازی برای کارگران سخنانی ایراد کرد.

#### ۱۷ مهر

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه هفدهمین روز خود را پشت سر گذاشت. کارگران اعتصابی همچون روزهای قبل در محوطه شرکت روبروی دفتر مدیریت تجمع کردند. استقامت و ایستادگی کارگران اعتصابی نتیجه داد و ۶ کارگر زندانی هفت تپه با قید وثیقه آزاد شدند.

#### ۲۴ مهر

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه، بیست و چهارمین روز اعتصاب خود را پشت سر گذاشت. خواست های کارگران بازگشت به کار سه نفر از همکاران اخراجی، لغو خصوصی سازی و پایان دادن به پرونده سازی برای کارگران و آزادی «اسماعیل بخشی» هستند.

#### ۲۵ مهر

مأمورین نیروهای حفاظت اطلاعات شوش، برای دستگیری «یوسف بهمنی» هجوم بردند، اما او در منزل حضور نداشت. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه هرگونه تهدید، بازداشت، تعرض و هجوم به محل کار و سکونت کارگران را شدیداً محکوم کرد و خواهان پایان دادن به اینگونه برخوردهای ضدانسانی و پایان دادن به پرونده سازی برای کارگران شد.

#### هیپکو

#### ۱ مهر

اتحاد، مبارزه و مقاومت کارگران هیپکو، فسخ قرارداد شرکت هیدروپاگل را رقم زد.

#### ۳ مهر

سندیکای کارگران هفت تپه به درستی توطئه فریبکارانه را افشاء کرد و در اعلامیه ای آورد که: «... وقتی که کارگران با اتحاد و همبستگی و یکدلی فریاد می زنند که باید تمام همکاران اخراجی به سر کار برگردند، وقتی فریاد می زنند ما مخالف خصوصی سازی هستیم، وقتی فریاد می زنند که نماینده ما، اسماعیل بخشی، باید سریعاً آزاد شود و به پرونده سازی علیه کارگران خاتمه داده شود، مدافعان سرمایه به این فکر می افتند تا با هر ترفندی اعتصاب کارگران را به انحراف بکشانند...» «ابراهیم عباسی منجزی»، کارگر هفت تپه در سخنانی در اعتراض به دستگیری ها و احکام ناعادلانه و اخراج ها، احضارها و خصوصی سازی، خواستار آزادی کارگران شد.

#### ۹ مهر

«ابراهیم عباسی» در جمع کارگران معترض روبروی دفتر مدیریت سخنانی ایراد کرد. در بخشی از سخنانش گفت: «شما نشان دادید که برای گرفتن حق و حقوق پایمال شده، باید متحد شد و بدون توهم به این یا آن فرد و جناح، تنها با اتکاء به نیروی طبقاتی می توان به خواست های خود رسید... اعتصاب و تجمع شما حول لغو خصوصی سازی، بازگشت به کار کلیه کارگران اخراجی، آزادی اسماعیل بخشی، خاتمه دادن به پرونده سازی علیه کارگران و... بخشی از مطالباتی است که دستیابی به آن در اتحاد و همبستگی میسر خواهد شد.»

#### ۱۰ مهر

فرمانده نیروی انتظامی و رئیس حفاظت اطلاعات شوش (بهمنی) و رئیس نیروی انتظامی (بهاروند) در شرکت هفت، همراه با نیروهای مسلح، حضور داشته و کارگران را مورد تهدید قرار دادند. بعد از حضور این نیروها در هفت تپه، سه نفر از کارگران به نام های «محمد خنیف»، «ایمان اخضری» و «محسن چشم خاور»، به دادستانی استان در اهواز احضار شدند که در آنجا رئیس اداره اطلاعات شوش حضور داشته بود و کارگران احضار شده مورد تهدید و توهین قرار می گیرند.

دروغ بر کارگران هفت تپه که بارها ثابت کرده اند در مقابل تهدیدها تسلیم نمی شوند و با حمایت های بی نظیر خود از همکاران اخراجی، کارفرما را به عقب نشینی وادار می کنند (بازگشت به کار ۱۷ نفر از بیست همکار اخراجی) و خواهان بازگشت به کار سه نفر دیگر از همکاران اخراجی هستند و همچنین خواستار آزادی بی قید و شرط «اسماعیل بخشی»، نمایند خود و مختومه شدن پرونده «محمد خنیفر» و سایر افراد مرتبط هستند.

#### ۱۳ مهر

۱۱ نفر از کارگران هفت تپه، که قرار بود با نمایندگان کمیسیون اجتماعی مجلس ملاقات کنند، در عوارضی خرم آباد توسط پلیس امنیت دستگیر شدند.

#### ۱۴ مهر

استفاده می‌کنند و این نشان می‌دهد که کارگران راهی جز نابودی این سیستم فاسد برایشان باقی نمانده است.

#### ۱۷ مهر

نیروهای امنیتی کارخانه آذراب را در چهارمین روز اعتصاب کارگران محاصره کردند. کارگران آذراب نیز در جواب به نیروهای امنیتی و پلیس ضد شورش، که راه خروج کارگران را بسته بودند، با شعارهای خود، از جمله «آذراب شد فدا با همه شایستگی، زیر بار ستم نمی‌کنیم زندگی» در راهپیمایی در محوطه تولید در داخل کارخانه، پاسخ دادند. دستمزد مراد و شهریور ماه کارگران این واحد تولیدی هنوز پرداخت نشده است.

#### ۲۲ مهر

کارگران آذراب در نهمین روز اعتصاب، از محل کارخانه به سوی راه آهن حرکت کردند و مسیر ریلی اراک را کاملاً مسدود کردند و اعلام داشتند تا زمان پیگیری مطالباتشان به اعتراضات خود ادامه می‌دهند.

#### ۲۸ مهر

کارگران آذراب امروز، در دوازدهمین روز اعتراضات خود ریل راه آهن شمال به جنوب را مسدود کردند. اعتراض کارگران توسط نیروهای انتظامی و عوامل امنیتی به خشونت کشیده شد و تعدادی از کارگران بر اثر ضرب و شتم مأموران زخمی و به بیمارستان منتقل شدند و هجوم عوامل امنیتی به بیمارستان جهت دستگیری کارگران مجروح، باعث شد تا کارگران زخمی بدون درمان و مداوا محل بیمارستان را ترک کنند.

#### ۳۰ مهر

در پی اعتراضات چند روز گذشته کارگران آذر آب و برخورد نیروهای انتظامی و عوامل امنیتی با کارگران معترض، تعداد ۲۱ تن از این کارگران توسط نیروهای انتظامی بازداشت شدند. کارگران در اعتراض به بازداشت همکاران خود با تجمع و راهپیمایی شعار کارگر زندانی آزاد باید گردد سر دادند. ۷ نفر از کارگران بازداشتی آذراب با قید وثیقه آزاد شدند اما همچنان از وضعیت سایر کارگران بازداشتی خبری نیست.

#### بازنشستگان

#### ۴ مهر

جمعی از بازنشستگان دانشگاه فردوسی مشهد در اعتراض به عدم واگذاری زمین‌های خریداری شده خود طی دوران اشتغال به کارشان، در مقابل استانداری در مشهد تجمع کردند. تجمع اعتراضی تعدادی از بازنشستگان در اعتراض به وضعیت سخت معیشت و شرایط اسفبار گرانی و تورم روز افزون در کشور، مقابل وزارت کار در خیابان آزادی تهران.

#### ۸ مهر

جمعی از کارگران هپکو در اعتراض به وضعیت این شرکت تجمع کردند. آنان پس از طی مسیر میدان شهدا تا میدان دارایی در مقابل دفتر نمایندگان اراک، کمیجان و خنداب در مجلس شورای اسلامی این شهر تجمع کردند. باز هم مقاومت، ایستادگی و اتحاد و مبارزه کارگران به ثمر نشست و تمامی کارگران بازداشتی هپکو آزاد شدند و زمینه دریافت مطالبات مزدی کارگران فراهم شد. پیش از این نیز ۲۸ نفر از کارگران معترض هپکو بازداشت شده بودند، که همگی در روزهای گذشته آزاد شدند. رئیس شعب بانک ملی استان مرکزی از اختصاص ۱۵ میلیارد تومان تسهیلات از منابع داخلی بانک ملی استان جهت پرداخت حقوق کارگران هپکو خبر داد.

#### ۱۴ مهر

اعلام همبستگی کارگران آذر آب با کارگران معترض هپکو، تصویری از همبستگی و اتحاد کارگران ایران است. کارگران معترض آذراب و هپکو به علت عدم پاسخگویی مطالباتشان از سوی مسئولین مجدداً به بستن جاده ورودی اراک اقدام کردند.

#### ۲۱ مهر

مقاومت و پیگیری سه ساله کارگران شرکت تولید تجهیزات سنگین هپکو اراک به بار نشست و سهام این شرکت از دست بخش خصوصی خارج گشت. این پیروزی بر کارگران مبارز هپکو و دیگر کارگران ایران فرخنده باد.

#### آذراب اراک

#### ۱۳ مهر

اعتصاب کارگران شرکت «آذراب» برای تعیین تکلیف کارخانه و گرفتن کارخانه از بخش خصوصی ادامه دارد. با توجه به اینکه معاونت سیاسی امنیتی استانداری، پلیس امنیت و فرماندار در آمفی تئاتر شرکت سعی داشتند از تجمع کارگران جلوگیری کنند، کارگران آذراب به خیابان آمدند و در محل باغ ملی اراک دست به تحصن اعتراضی زدند.

#### ۱۵ مهر

بار دیگر کارگران کارخانه آذراب در اراک در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه‌شان و تعیین تکلیف نشدن سهامدار، دست به تجمع زدند، که در مقابل خود با صف نیروهای ضد شورش مواجه شدند و پاسخ کارگران آذراب را با گاز اشک‌آور دادند. مأموران امنیتی در ابتدای صبح مقابل شرکت ایستاده بودند و اجازه خروج کارگران از کارخانه را ندادند و کارگران نیز تلاش کردند تا با عقب‌راندن نیروهای امنیتی راهی برای خروج از کارخانه باز کنند. و این در حالی است که نیروهای نظامی، امنیتی و قضایی توان و قدرت جلوگیری از اختلاس، غارت و فرار سرمایه‌داران و مسئولان دزد را ندارند و از تمامی نیروی خود فقط و فقط برای سرکوب کارگران

– اسرائیل برای تغییر رژیم سوریه است. در این بین اعتماد و شرط‌بندی رهبران احزاب کردی سوریه بر روی آمریکا اشتباهی تاریخی و مهلک بوده است که متأسفانه قربانیان اصلی آن مردم بی‌گناه منطقه هستند. آمریکا به دنبال اهداف سیاسی و منافع خود است و به هیچ‌وجه ماهیت امپریالیستی آمریکا در سلطه بر جهان تغییر نخواهد کرد. اتحاد سراسری بازنشستگان ایران با قاطعیت، تجاوز و حشیانه ارتش ترکیه به خاک سوریه را محکوم می‌کند و تمام مردم آزادی‌خواه منطقه و همه صلح‌دوستان جهان را به اعتراض گسترده علیه این تجاوز آشکار ترکیه فرا می‌خواند. اتحاد سراسری بازنشستگان ایران خواهان قطع فوری عملیات نظامی و خروج بی‌قید و شرط نیروهای نظامی متجاوز ترکیه و آمریکا از خاک سوریه است. ما معتقدیم که مردم سوریه و منطقه، خود باید برای چگونگی زیستن تصمیم بگیرند».

#### کارگران دیگر

##### ۱ مهر

تعدادی از کارکنان و متخصصان شرکت لوله‌سازی ماهشهر، در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات‌شان در مقابل ساختمان استانداری خوزستان دست به تجمع زدند. جمعی از کارگران شهرداری رشت در اعتراض به دریافت نکردن مطالبات معوقه دو ماهه خود از شب قبل ۳۱ شهریور، در میدان صیقلان تجمع کردند.

##### ۲ مهر

رانندگان شبکه بهداشت سنندج روز اول مهر در اعتراض به عدم دریافت ۵ ماه معوقات مزدی خود دست به اعتصاب زدند. جمعی از کارگران شرکت لبنیاتی پارژن در نسیم شهر، در اعتراض عدم پرداخت مطالبات مزدی شش ماهه خود، در مقابل ساختمان این شرکت، دست به تجمع زدند. کارکنان «علمی‌کارپردی» شهرداری تهران، با میانگین سنی ۳۵ تا ۴۰ سال که عموماً تحصیلات دکتری و کارشناسی ارشد دارند، به خاطر دریافت نکردن ۳ ماه حقوق و مطالبات شغلی، که عموماً بین ۶ تا ۱۵ سال سابقه کار در این مرکز را دارند، دست به اعتراض و تجمع زدند.

##### ۷ مهر

اعتصاب و تجمع کارگران پالایشگاه نفت سنگین قشم در اعتراض به عدم دریافت چندین ماه حقوق معوقه در محوطه ورودی پالایشگاه قشم برگزار شد. کارگران در چهارشنبه ۲۵ مهرماه و همچنین در ۱۸ دی‌ماه و ۹ اسفندماه سال گذشته در چندین نوبت در اعتراض به پرداخت نشدن ۵ ماه حقوق معوقه‌شان دست از کار کشیده و دست به اعتصاب زده بودند. کارگران پالایشگاه نفت سنگین قشم به دلیل اینکه در منطقه آزاد قشم مشغول به کار هستند، به شکل سیستمی به بهانه توسعه اقتصادی و رونق اشتغال، حقوق آنها مدام نقض می‌شود.

شورای بازنشستگان ایران بیانیه‌ای به مناسبت روز جهانی معلم منتشر کرد که در آن آمده است: «... واقعیات عینی زندگی معلمان چه شاغل و چه بازنشسته در ایران، بدور از القاب بی‌ثمر ذهنی که به منظور جدا کردن جایگاه آنان از مطالبات معیشتی و تقابل طبقاتی تبلیغ می‌شود، دستخوش شدیدترین تنگناهای اقتصادی در تأمین نیازهای زندگی بوده و محروم از امکانات رفاهی حداقلی، در ادامه به عنوان نیروی کار موقت و قراردادی تبدیل می‌شوند. از اینجاست که جنبش مطالباتی معلمان به صورت اجتناب‌ناپذیر در صحنه اجتماعی عروج کرده و در یک منافع مشترک با سایر بخش‌های مزدبگیران، مطالبات سراسری و مشترکی را پیش پای آنان قرار داده است... در آستانه گرامیداشت روز جهانی معلم ضمن تأکید و پشتیبانی از این حداقل مطالبات سراسری، خواهان توقف فشارهای امنیتی – قضائی بر معلمان، آزاد کردن فوری و بی‌قید و شرط معلمان زندانی و جبران خسارات مادی و معنوی به آنان هستیم».

##### ۱۰ مهر

گروه اتحاد بازنشستگان، شورای بازنشستگان و دیگر تشکلات بازنشستگان برای تجمع اعتراضی در روز شنبه ۱۳ مهرماه، روز جهانی معلم، ساعت ۱۰ صبح، مقابل وزارت آموزش و پرورش بالاتر از میدان فردوسی جنب کوچه محمدی، فراخوان دادند.

##### ۱۳ مهر

ابتدا ۳ تن از همکاران بازنشسته در تجمع روز معلم، حول مطالبات بر زمین مانده سخن گفتند: از خصوصی‌سازی‌ها و بیمه‌های ناکارآمد از جمله بیمه اصلی و پایه، و هم شرکت‌های «تکمیل درمان»، که سود بازاری برای این قبیل شرکت‌ها شده، تا دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر، از گرانی و اختلاس تا بی‌توجهی و دروغ‌پراکنی مسئولینی که با در اختیار داشتن رسانه‌های مسلط، به جز وعده‌های پوشالی چیز دیگری تحویل بازنشسته نمی‌دهند و به انحاء مختلف از اجرای قوانین و مصوباتی که خودشان امضا کرده‌اند، سر باز می‌زنند. بعضی از شعارهای روز معلم عبارت بودند از: «خط فقر ۷ میلیون، حقوق ما ۲ میلیون»؛ «شاغل و بازنشسته، اتحاد اتحاد»؛ «معلم زندانی آزاد باید گردد!».

##### ۱۷ مهر

تجمع اعتراضی تعدادی از بازنشستگان مقابل سازمان برنامه و بودجه تهران در اعتراض به وضعیت سخت معیشتی و نامتناسب بودن دفترچه‌های درمان با هزینه‌های گزاف پزشکی.

##### ۲۳ مهر

اتحاد سراسری بازنشستگان ایران با صدور اعلامیه‌ای حمله ترکیه به کردستان سوریه را محکوم ساخت. در این اعلامیه آمده است: «... تجاوز اردوغان با چراغ سبز آمریکا به شمال سوریه و ایجاد منطقه به اصطلاح آزاد در داخل خاک سوریه، در راستای تکمیل پروژه طرح ناتمام ناتوئی آمریکا – سعودی



طی روزهای گذشته، کارگران پیمانکاری معدن «چادرملو» با برپایی نشستی در مسجد این واحد معدنی، اعتراض‌شان را نسبت به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل به نمایش گذاشتند و خواستار اجرای تکلیف اداره کار اردکان و پرداخت مابه‌التفاوت ماه‌های گذشته‌شان شدند.

#### ۲۵ مهر

کارگران شرکت کنتورسازی شهرستان البرز، مجدداً برای چندمین بار جهت دریافت مطالبات خود و عدم پرداخت دستمزدهای معوقه، در مقابل استانداری قزوین دست به اعتراض زدند.

تشکیل زنجیره انسانی مردم قشم در اعتراض به طرح خصوصی‌سازی ساحل جزایر ناز.

#### ۲۶ مهر

طی روزهای گذشته برای باری دیگر، کارگران شهرداری کوه عبدالله مرکز شهرستان کارون در استان خوزستان برای دستیابی به مطالبات‌شان برای چندمین بار، دست از کار کشیده و تجمع‌هایی در مقابل ساختمان شهرداری برپا کردند. مقامات قضایی این شهر به دنبال شکایت پیمانکار دست به بازداشت و زندانی کردن ۱۳ کارگر معترض زدند.

#### ۲۹ مهر

کارکنان پتروشیمی فارابی بندر ماهشهر در اعتراض به عدم دریافت مطالبات معوقه و طرح طبقه‌بندی مشاغل دست به تجمع اعتراضی زدند.

کارگران شرکت خارادژ در اعتراض به عدم دریافت هفت ماه حقوق‌شان دست به اعتصاب زده و سپس در مقابل اداره کار شهرستان نقره تجمع کردند. کارگران این شرکت قبل از تجمع جلوی فرمانداری در نقره، در مقابل اداره کار در این شهرستان تجمع کرده بودند.

#### ۳۰ مهر

در ادامه اعتراضات کارگران کارخانه قند فسا نسبت به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی خود امروز مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند.

جمعی از کارگران شرکت پتروشیمی فارابی، در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، قطع خدمات رفاهی و اخراج تعدادی از همکاران خود، در مقابل ساختمان مرکزی این شرکت، دست به تجمع زدند. کارگران و زحمتکش‌شان با خوشحالی آزادی هم‌زمان خود را جشن می‌گیرند و برای آزادی دیگر مبارزان راه آزادی و انسانیت به مبارزه ادامه خواهند داد و در مقابل فریب و دروغ و غارت و سرکوب رژیم و سرمایه‌داران، به اتحاد و وحدت خود در تشکلات صنفی و سیاسی طبقه کارگر تکیه کرده و لحظه‌ای فریب دشمنان آشکار و پنهان را نخواهند خورد و در مقابل سرکوب و وحشت آفرینی آنان خواهند ایستاد. اتحاد! مبارزه! پیروزی!

آن‌ها مشمول حمایت‌های قانون کار نیستند و در این منطقه کارفرمایان قدرت بیشتری برای محدود کردن حقوق و مزایای کارگران دارند. و این نقشه کشیف نئولیبرال‌های وطنی است که به فرمان سازمان‌های مالی و تجاری امپریالیستی برای کلیه کارگران ایران، در حال اجرا است.

کارگران شهرداری سی سخت برای مشخص شدن وضعیت مطالبات معوقه خود از جمع‌آوری زباله‌های شهری خودداری کردند.

#### ۹ مهر

کارگران پتروشیمی فارابی به اعتصاب‌شان، که از اول مهر برای اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، قطع خدمات رفاهی، نداشتن امنیت شغلی و وعده‌های توخالی مدیران شرکت و مسئولان شهرستان ماهشهر آغاز شده است، ادامه دادند و همچون روزهای گذشته در ساختمان مرکزی شرکت تجمع کردند.

#### ۱۰ مهر

کارگران کنتورسازی قزوین برای چندمین بار در اعتراض به حقوق معوقه ۲۵ ماهه و سنوات‌شان، مقابل استانداری قزوین تجمع کردند.

#### ۱۱ مهر

خصوصی‌سازی و اجرای سیاست‌های نئولیبرالی بار دیگر وضعیت معیشتی کارگران آن را دشوار کرده و اعتراض آنها را برانگیخته است. این بار کارگران شرکت حمل و نقل خلیج فارس نسبت به بی‌ثباتی وضعیت شغلی، قراردادهای متزلزل، ماه‌ها حقوق عقب‌افتاده و عدم امنیت کاری دست به اعتصاب زدند.

کارگران شهرداری زهره به دلیل عدم دریافت ۱۷ ماه حقوق و کارگران شهرداری هندیجان به دلیل عدم دریافت ۸ ماه حقوق خود، در استان خوزستان برای چندمین بار دست به تجمع اعتراضی زدند.

#### ۱۴ مهر

پرسنل بیمارستان شهید جلیل یاسوج نسبت به بلا تکلیفی شغلی و معیشتی مقابل استانداری کهگیلویه و بویراحمد تجمع اعتراضی خود را برگزار کردند.

#### ۱۵ مهر

بار دیگر کارگران کارخانه قند فسا برای احقاق حقوق‌شان، مقابل فرمانداری این شهرستان تجمع کردند.

کارکنان بیمارستان جلیل یاسوج در مقابل ساختمان استانداری کهگیلویه و بویراحمد، خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

#### ۲۲ مهر



## در حاشیه دروغ‌های دونالد ترامپ در مورد مهره‌های سوخته و پیروزی بر داعش!

ریاکاری می‌کنند، سند جعل می‌کنند، تاریخ را تحریف می‌کنند، مخالفین‌شان را «تروریست» می‌خوانند و الا آخر. آنها این را هم به خوبی می‌دانند که ادیان، چه موسایی، چه عیسایی و چه محمدی، در فرقه‌های گوناگون‌شان، خصم مادرزاد سوسیالیست‌ها و کمونیست‌ها هستند! بی‌جهت نیست که برای پیشبرد اهداف چپاول‌گرانه و کشتار نیروهای ضدامپریالیستی، اسلام «عزیز» را در ایران، پاکستان، افغانستان، عراق، لیبی، مصر، ترکیه، سودان، عربستان، قطر، امارات، سومالی و دیگر بلاد حاکمیت دادند، چون اگر قرار باشد القاعده، طالبان، داعش، وهابی‌ها، بوکوحرام و دیگر اسلامی‌های تروریست، به نام «الله» برایشان آدم به‌کشند، چه بهتر! مشکلی با اینگونه اسلامیت‌ها هم نخواهند داشت!

وقتی که اتحاد جماهیر ریزیونستی شوروی - در حرف سوسیالیسم، ولی در عمل امپریالیسم - به افغانستان تجاوز کرد، دولت آمریکا و دوستان غربی‌اش، کاسه داغ‌تر از آتش شدند که وای اسلام! چه نشستید که کفار و خدانشناسان به سرزمین مسلمانان یورش برده‌اند! تو گویی حمله آنان به بلاد اسلامی و حتی افغانستان، تجاوز نبوده، بلکه فقط به خاطر «دموکراسی، حقوق بشر، آزادی زنان» بوده است؟! برای اینکه سوسیالیست شوروی را بیرون کنند و خود داخل شوند، طالبان را بوجود آوردند و اسامه بن لادن را به عرش بردند. در تبلیغات زهر آگین‌شان او را جنگ‌جو، مبارز و آزادی‌خواه و میهن‌پرست

نظام سرمایه‌داری مترادف است با جنگ و کشتار، ریاکاری و عوامفریبی، غارت کشورهای ضعیف و استثمار کارگران و کارمندان و دیگر زحمتکش‌شان خودی و غیرخودی با انواع ترفندهای رذیلاانه! برای زنان و مردان «اهل تمیز»، آنانی که راستی و درستی، زشتی و زیبایی و انسانیت و وحشیگری را از هم تمیز و تشخیص می‌دهند، آوردن مثال‌های گوناگون از تاریخ سراسر کشتار و غارت سیستم سرمایه‌داری، چه انگلیس چه فرانسه چه ژاپن و آلمان و ایتالیا و اسپانیا و در رأس همه آنها آمریکا، لزومی ندارد. «آلترناتیو»، «بدیل»، «جایگزین» هر سه دارای یک معنی‌اند. ریشه اولی لاتین، دومی عربی و سومی پرنده زیبای پارسی است. «سوسیالیسم» بدیل و جایگزین نظم سرمایه‌داری، یا همان کاپیتالیسم است!! این حکم حتمی را شاید خیلی‌ها ندانند، چون ممکن است شناخت درستی از سیستم سرمایه‌داری و نظم سوسیالیسم نداشته باشند، اما خود سرمایه‌دارها از همه بهتر می‌دانند! آنها برای فریب و فرار از این حقیقت، و بد جلوه‌دادن سوسیالیسم، دروغ می‌گویند،



## عراق به کجا می رود؟

اعتراضات گسترده و خونین در کشورهمسایه ما عراق در روزهای اخیر که ده‌ها کشته و صدها مجروح به جای گذاشته، به یکی از تحولات مورد توجه محافل سیاسی و رسانه‌ای جهان مبدل شده است که از جمله اهداف و مطالبات معترضین را می‌توان به اصلاح وضعیت اسفناک اقتصادی در آن کشور اشاره کرد.

مردم معترض و جان‌به‌لب رسیده عراق به مشکلات معیشتی و اقتصادی، فساد و دزدی در میان مسئولان کشور، کمبود امکانات رفاهی و خدماتی، بیکاری و برخی دیگر از مظاهر موجود در جامعه که ناشی از بی‌ثباتی اقتصادی، تنش‌های فرقه‌ای و مداخلات امپریالیستی است، انتقادات جدی دارند و از مسئولان دولتی درخواست می‌کنند که نسبت به رفع این مشکلات سریعاً اقدام نمایند.

به تازگی ۱۵۰۰ نیروی نظامی امپریالیسم آمریکا از شمال سوریه خارج و به سمت غرب عراق وارد شدند که این تصمیم آمریکا بدون اجازه و هماهنگی با دولت مرکزی عراق صورت گرفته و اقدامی است که جای تأمل از سوی یکی از عوامل خارجی تأثیرگذار بر روند تحولات عراق دارد. این امر نشان می‌دهد که عراق همچنان در اشغال امپریالیسم آمریکا قرار دارد و آمریکا این کشور را ملک شخصی خود برای کنترل منابع طبیعی و مهار دولت مرکزی برای منافع ژئوپلیتیک خود محسوب می‌کند. وقتی ارتش آمریکا بدون اجازه دولت عراق وارد خاک این کشور می‌شود، مبین این امر است که عراق فاقد «استقلال سیاسی» است و با هزار بند مرئی و نامرئی در چنگال

جا زدند؟! اما وقتی که به هدف‌شان رسیدند و دیگر نیازی به او نبود، ترورش کردند و او با باد به غبغب انداخت که جهانی را از تروریسم نجات دادیم؟! مدتی گذشت «ابوبکر البغدادی» را که سال‌ها زندانی‌شان بود تربیت و علم کردند و دولت اسلامی عراق و شام را بوجود آوردند و به صدها نفرشان پول و سلاح دادند و در روز روشن با تعداد زیادی از وانت‌های نو و ساخت ژاپن رهسپار عراق و سوریه نمودند. عراقی که قبلاً با همکاری انگلیس و فرانسه و دیگران لُت و پار شده بود و صدها هزار انسان بی‌گناه را کشته و میلیون‌ها نفر را آواره کرده بودند. هدف‌شان از این کار، جنگ نیابتی و سرنگونی رژیم سوریه بود. چرا؟ برای اینکه اسد به مانند صدام و قذافی نوکر و سر سپرده نمی‌شد. مخالفت و تحریم‌شان بر علیه ایران هم به این دلیل است که رژیم سرمایه‌داری اسلامی حاکم بر ایران هم تسلیم نمی‌شود! گرچه از ترس مردم دلیر ایران، بدشان نمی‌آید تا با امریکایی‌ها رابطه داشته باشند.

همه می‌دانیم که آمریکا و البغدادی و ترکیه و عربستان و امارات در سوریه شکست خوردند. حال البغدادی هم مثل بن‌لادن مهره سوخته شد. لذا باید کشته شود و به دنیا و به دروغ گفت که این آمریکا بود که «ریشه» داعش را نابود کرد؟! ناگفته نماند که این نهمین بار است که کُشتن رهبر داعش از سوی دولت‌مداران امریکایی اعلام می‌شود! یکی گفت که با یکبار پرتاب سنگ هفت تا موش را کشت. گفتند باور نمی‌کنیم. گفت شش تا حتماً بوده، گفتند دروغ است، گفت پنج تا چی؟ گفتند امکان ندارد. کم کم رسید به یکی، گفتند مشکوکیم. گفت سنگ را پرتاب کردم؟ حال حکایت آقای ترامپ است وقتی که می‌گوید، البغدادی داشت گریه می‌کرد و از وحشت جیغ می‌کشید، جُک بالا تداعی می‌شود.

کم‌نیست‌ها و چپ‌های انقلابی و مستقل، تجاوز به هر کشوری را، سوای ماهیت رژیم‌هایشان، محکوم می‌کنند. سرنوشت رژیم‌های ارتجاعی، ضدبشری را ملت‌های همان رژیم تعیین خواهند کرد و اجازه دخالت اجنبی‌ها، چه آمریکا، چه اتحادیه نامتحد اروپا و چه روسیه و چین را نخواهند داد

هر اندیشه و نظریه‌ای که در چهارچوب این حکم صحیح پا نه گیرد و به‌خواهد سیاه‌نمایی کند، دیر یا زود به زباله‌دان تاریخ ریخته خواهد شد!! نظام سرمایه‌داری هم از این قانده مستثنی نیست. و چقدر زیبا گفت حافظ:

چون دور جهان یکسره بر منهج عدل است  
خوش باش که ظالم نبرد راه به منزل •



## چند نکته پیرامون حوادث اخیر عراق

گزارش شده است که در ناآرامی‌های اخیر عراق بیش از ۱۰۰ کشته و ده‌ها تن مجروح شده‌اند و این درگیری‌ها همچنان ادامه دارد. توجه خوانندگان گرامی را به نکات مهم ذیل جلب می‌کنیم:

**یکم اینکه**، تشدید تضادهای درونی حاکمیت عراق بر سر غارت اموال عمومی و گرایش‌های سیاسی و ایدئولوژیک جناح‌های در قدرت، افزایش دزدی، فساد، غارت و فقر گسترده موجب نارضایتی عمومی و اعتراضات مردم به ویژه جوانان گشته است.

**دوم اینکه** حکومت کنونی عراق و حضور فرقه‌های مختلف در این کشور، مولود تجاوز امپریالیستی به این کشور است. سردمداران کنونی عراق با خیانت به منافع ملی مردم عراق به تجاوز نظامی لیبیک گفتند و در ویرانی عراق مسئول‌اند.

**سوم اینکه** بدون بررسی تحریم‌های ضدانسانی و تجاوز نظامی به عراق توسط امپریالیسم آمریکا و ویرانی زیرساخت‌های این کشور و کشتار میلیونی مردم نمی‌توان پاسخ صحیحی به بحران کنونی داد.

**چهارم اینکه** امپریالیسم آمریکا، رژیم صهیونیست اسرائیل و عربستان سعودی را به خاطر روابط دوستانه دولت عراق با ایران و اتخاذ برخی مواضع متفاوت در مسائل منطقه‌ای از جمله در سوریه در تلاش‌اند تا با مداخلات مستقیم و غیر مستقیم سیاسی و جعل اخبار و پخش اطلاعات غلط نارضایتی عمومی را به سمتی سوق دهند که با تغییراتی در حکومت مرکزی منافعی

استعمار اسیر است.

نارضایتی آمریکا با برخی از سیاست‌های دولت عراق، نظیر عدم پیروی از واشنگتن در مورد تحریم اقتصادی علیه ایران، نزدیکی با دولت سوریه و مخالفت با تجاوز به یمن .. سبب شده است که از مدت‌ها قبل خواهان تغییر در حکومت عراق و جایگزینی او با یک حکومت یک دست گردد که تمام و کمال از سیاست راهبردی او در منطقه پیروی نماید.

حمایت‌های آمریکا، اسرائیل و عربستان از تظاهرات اخیر و تلاش در جهت به انحراف بردن اهداف و مسیر اصلی مبارزه مردم، سیاستی است حساب شده در راستای منافع راهبردی امپریالیسم، صهیونیسم و وهابیسیم در عراق و منطقه چنانچه مردم معترض و مصیبت‌دیده عراق به خاطر فقدان رهبری انقلابی نه‌تواند مبارزات عدالت‌خواهانه خود را بر علیه نیروی اشغالگر و متجاوز آمریکا، این دشمن عمده ملت و مسبب اصلی ویرانی عراق، پیوند زند و دوست و دشمن را از هم تمیز دهد، مبارزاتش به‌رغم تمام از جان گذشته‌گی‌ها و تلفات جانی با شکست روبرو خواهد شد و وضعیتی وخیم‌تر و دهشتناک‌تر از این بر آنها تحمیل خواهد گشت. خطر جنگ داخلی و تکه تکه شدن عراق و سلطه کامل آمریکا، اسرائیل و عربستان بر هر یک از مناطق پاره شده و محاصره ایران و گسترش جنگ قومی، سناریوی خطرناکی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

بی‌جهت نیست که رسانه‌های امپریالیستی غربی توجه کمتری به مبارزات ضدسرمایه داری و ضدامپریالیستی و ضدنئولیبرالی مردمان شیلی و اکوادور و سایر ممالک آمریکای لاتین و آفریقا نشان می‌دهند و در عوض تمام اخبار و گزارشات را به سوی لبنان و عراق و در جهت منافع آمریکا و اسرائیل و عربستان سوق می‌دهند، تا بر جنبش اعتراضی مردم سوار گردند.

مبارزه مردم عراق بر علیه دستگاه فساد، فقر، نکبت، بیکاری و گرسنگی بر حق است و این مبارزات باید سرانجام منجر به خروج قوای متجاوز آمریکا و کوتاه‌شدن دست این ابرقدرت و تأمین استقلال کامل سیاسی این کشور گردد.

سکوت در قبال اشغال و دشمن عمده مردم عراق، یعنی امپریالیسم آمریکا که این کشور را در چنگال خویش دارد، خیانت به منافع توده مردم و ملت عراق است. مردم عراق حق دارند مفسدان را مجازات و دست‌زدان را از سرنوشت خویش قطع نمایند. اما اینها همه باید هوشیارانه صورت گیرد تا لاشخوران بین‌المللی حاصل این فداکاری‌ها را در جهت منافع غارت‌گرانه و استعماری خود کانالیزه نه‌نمایند! چنین باد!

۷ آبان ۱۳۹۸ •



## زنده باد همبستگی با مبارزات مردم اکوادور. جنبش توده‌ای دولت اکوادور را به عقب‌براند

در اول ماه اکتبر ۲۰۱۹، دولت اکوادور بسته اقدامات ریاضت اقتصادی و مسائل مربوط به قانون کار را تصویب کرد. نظری اجمالی به این بسته نشان می‌دهد که تا چه حد این دولت ضد مردمی و ضد کارگر و طرفدار سرمایه‌داری نئولیبرال است. - حذف یارانه‌های دولتی به سوخت‌های فسیلی. یک گالن آمریکایی بنزین دیزل از ۰۳،۱ دلار به ۲،۳۰ دلار (۱۲۳٪) و بنزین معمولی از ۱،۸۵ دلار به ۲،۴۰ دلار (۳۰٪) افزایش یافته است. دولت می‌گوید با این اقدام سالانه ۱،۳ میلیارد دلار پس‌انداز می‌شود.

- دولت اعلام کرده است که برای «محافظت» از کسانی که ممکن است این اقدامات آنها را تحت فشار قرار دهد، تعداد سیصد هزار خانواده به جمع‌گیرندگان «کمک‌های توسعه انسانی» - معروف به کمک فقر - اضافه می‌شوند که هر کدام ماهانه ۱۵ دلار دریافت می‌کنند.

- شرکت‌هایی که درآمد سالانه‌شان بیش از ۱۰ میلیون دلار است، به مدت سه سال سهم ویژه‌ای به دولت پرداخت می‌کنند، تا به صندوق «ایمنی، بهداشت، و آموزش» اختصاص یابد. دولت از این طریق مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار جمع‌آوری می‌کند.

- حذف یا کاهش تعرفه‌های ماشین‌آلات، تجهیزات و مواد اولیه؛ حذف مالیات برای صادرکنندگان؛ حذف پیش‌پرداخت مالیات بر درآمد؛ حذف مالیات واردات بر روی تلفن همراه، رایانه، تابلت و کاهش نیمی از مالیات خروج ارز خارجی برای

راهبردی آنها را در عراق تأمین کند.

**پنجم اینکه** امپریالیسم آمریکا اگرچه در عراق زمین‌گیر شده، شکست خورده و بدین ترتیب نه‌توانسته است به تمام اهداف خود دست یابد، اما همچنان صحنه‌گردان اصلی در عراق هست. حضور چند پایگاه نظامی در عراق، حضور یک سفارت غیر متعارف ۱۵ الی ۲۰ هزار نفره در بغداد، کنترل نفت عراق و ادامه دریافت خسارت از دولت عراق .... مجموعاً دشمن عمده و شماره ۱ ملت عراق به حساب می‌آید. کیش دادن داعش به سوی بغداد از جمله یکی از سیاست‌های راهبردی آمریکا برای مهار دولت عراق بوده است.

**ششم اینکه** باید از خواست ملت عراق، که خواهان عدم مداخله خارجی در امور داخلی این کشور و نقض استقلال و حاکمیت ملی آن است، دفاع نمود.

**هفتم اینکه** باید از خواست مردم عراق مبنی بر «کار، نان، آزادی و عدالت اجتماعی» دفاع نمود

**هشتم اینکه** باید از خواست فوری و بی‌قید و شرط خروج آمریکا از عراق و بستن جاسوس خانه ۲۰ هزار نفری و پرداخت خسارت به ملت عراق و محاکمه تمام کسانی که در تجاوز به عراق با آمریکا همکاری کردند، حمایت نمود.

**نهم اینکه** باید روشن کرد که ایران خاک عراق را اشغال نه‌کرده است، بلکه این آمریکا است که خاک عراق را در اشغال خود دارد.

**دهم اینکه** باید روشن کرد که ایران قانون اساسی عراق را نه‌نوشته است، بلکه این آمریکا و اسرائیل بودند که قانون اساسی کنونی عراق را تدوین کردند، بطوری که یهودیان عراقی تبار ساکن اسرائیل هم حق رأی در انتخابات قانون اساسی داشتند.

**یازدهم اینکه** باید روشن کرد که در محاکمه صدام حسین آمریکا، اسرائیل و عربستان سعودی مانع شدند که صدام حسین به علت استفاده از گاز سمی علیه سربازان ایرانی محکوم شود.

**دوازدهم اینکه** تنها در این صورت است که می‌توان از اعتراضات مردم عراق حمایت کرد و به آلت دست نیروهای امپریالیستی، که مسئول اصلی این اوضاع دهشتناک هستند، بدل نه‌شد.

۱۴ اکتبر ۲۰۱۹

**تجاوزگران استعمارگر باید خاک عراق، افغانستان،  
لیبی، سوریه و یمن را بی‌قید و شرط ترک کنند!**

مواد اولیه، و ورود کالاهای صنعتی

- کارمندان شرکت‌های دولتی هر ماه مقدار یک روز حقوق خود را به حساب دولت واریز می‌کنند.

در زمینه قانون کار، رئیس جمهور مورنو (Moreno) اعلام کرد که:

- «پروژه اصلاح قانون کار» در مورد اشکال جدید استفاده نیروی کار به مجلس شورای ملی ارائه خواهد شد. در این قانون جدید کار، حقی که برای کارگران در نظر گرفته شده حتی از حق کارگران فعلی کمتر است، برای کارگران هیچ ثبات شغلی وجود ندارد و کارفرما می‌تواند هر زمانی که مایل باشد، کارگر را اخراج نماید. کل جنبش اتحادیه کارگری در اکوادور این پروژه را «پروژه ضد اصلاحات» لقب داده است که موضوع استفاده و حقوق کارگران را به ناامنی می‌کشانند.

- قراردادهای موقت در بخش دولتی با ۲۰٪ حقوق کمتر تجدید می‌شوند.

- مرخصی سالانه برای کارمندان و کارگران هم در بخش دولتی و هم بخش خصوصی از ۳۰ روز به ۱۵ روز کاهش می‌یابد.

مسلم است که این «پروژه اصلاح قانون کار» به نفع کمپانی‌های بزرگ و «کارآفرینان» است و چنانچه اجرا می‌شود، به شدت بر اقتصاد و معیشت اقشار مردمی تأثیر می‌گذاشت. موضوع «کمک‌های توسعه انسانی» سرپوشی برای پنهان کردن ماهیت ضد مردمی اصلاحات پیشنهادی و سرمایه‌داران چپ‌اولگر است.

پاسخ اجتماعی به بسته اقتصادی لنین مورنو فوری بود. واحدهای صنفی در اکوادور اعتصاب سراسری را اعلام کردند. اعتصاب در روز ۳ اکتبر آغاز شد. خواست سراسری اعتصاب عمومی، مبارزه مردمی را در سطح جدیدی قرار داد، امکان سرکوب توده‌ها توسط پلیس مسلح عیان شد، خیابان‌ها توسط جوانان به اشغال درآمد، بومیان، کارگران، زنان، ساکنان محلات و مناطق گوناگون، بازرگانان و دهقانان به خیابان‌ها ریختند. دولت اعتصاب عمومی را با تهدید و سرکوب شدید پاسخ داد. دود و گاز اشک‌آور همه جا را پُر کرد، دولت وضعیت اضطراری اعلام نمود، تهدیدات وزیر دفاع افزایش یافت، ارتش برای انجام سرکوب به کمک پلیس به خیابان‌ها و جاده‌ها آمد، مبارزه متوقف نشد. اقدام گسترده جنبش بومیان در استان‌های بومی‌نشین ادامه یافت، مبارزه جوانان و مردم در شهرها گسترش یافت و وضعیت اضطراری را به شکست کشاند و فوراً مطالبات زیر را درخواست نمودند.

ابطال ابلاغ حذف یارانه سوخت.

نه به «پروژه اصلاح قانون کار».

رد افزایش احتمالی تعرفه حمل و نقل، به دلیل افزایش قیمت سوخت.

لغو وضعیت اضطراری و آزادی دستگیرشدگان اخیر

جنبش توده‌ای دولت اکوادور را به عقب راند، خواست استعفاي گله‌گنده‌ها در جامعه مطرح و عمومیت یافت، توده‌های کار اکوادور پیروزی بزرگی کسب کردند.

**حزب کار ایران (توفان)** این پیروزی را به شیرمردان و شیرزنان اکوادوری که «نه» بزرگی به سیاست‌های نئولیبرالی دولت گفتند، شادباش می‌گوید. مبارزه رفقای اکوادوری مبارزه ماست، پیروزی شما، پیروزی ما و تمامی زحمتکشان جهان است. این دستاوردها باید گسترش و تعمیق یابند.

**زنده باد مبارزه زحمتکشان بر علیه حکومت سرمایه‌داری، مجری اوامر سیاست‌های نئولیبرالی امپریالیستی!**

\*\*\*

رفقای حزب کمونیست، مارکسیست - لنینیست اکوادور بیانیتهای در مورد به عقب‌راندن دولت و کسب پیروزی صادر نموده‌اند که حزب کار ایران (توفان) آنرا برای اطلاع عموم به فارسی ترجمه کرده است:

بیانیه حزب کمونیست، مارکسیست - لنینیست، اکوادور (PCMLE)

**پیروزی از طریق وحدت و مبارزه مشترک**

مردم اکوادور با قیام توده‌ای خود، که یازده روز به طول انجامید، پیروزی مهمی کسب کرده‌اند. ما توانستیم دولت را، علی‌رغم به کارگیری گسترده سرکوب‌های وحشیانه و عصبانیت کل جناح راست و امپریالیست‌ها، وادار به عقب‌نشینی کنیم. دولت تصور می‌کرد که می‌تواند اقدامات اقتصادی نئولیبرال را به کشور تحمیل کند. رئیس جمهور مورنو، (Moreno) که مدام می‌گفت او حتی یک گام به عقب برنمی‌دارد، مجبور شد تمام فتوای ۸۸۳ را پس بگیرد و پیشنهادی جدید ارائه دهد.

آنچه نتیجه این نبرد را امکان پذیر کرد، حجم نیروی درگیر در مبارزه، پیکارجویی و رادیکالیسم آن، و وحدت در عمل نیروهای مردمی بود. ما، کارگران، جنبش مردمان بومی، جوانان، زنان، معلمان، مناطق محلی، خرده‌فروشان، کشاورزان و... همه دست به یک مبارزه متحد زدیم و کل جمعیت قیام کرد. لازم است که بر شجاعت و پیکارجویی جوانان، که در این نبرد نقش نیروی شوک‌زننده را داشتند و همچنین زنان بومی که بار دیگر شجاعت خود در مبارزه نشان دادند، تأکید شود.

نیروهای حزب ما نقش خود را در این مبارزه ایفاء کرده‌اند. فعالین حزبی قادر بودند که موقعیت شایسته‌ای در تظاهرات برای خود کسب کنند، قدرت خود را استحکام دهند، و رهبری در مبارزه را تبلیغ نمایند. حزب ما، «اتحاد مردمی» و سایر سازمان‌های چپ در این مبارزه فعالانه شرکت داشتند.

اعتصاب عمومی که از ماه‌ها پیش برای آن تدارک دیده شده بود، نقطه عطفی در مبارزه علیه دولت نئولیبرال بود. حزب ما



## زنده باد نبرد متحد ملت شیلی علیه نئولیبرالیسم و فقر و نابرابری‌های اجتماعی!

اعتراضات در پایتخت شیلی که بر علیه افزایش قیمت بلیت مترو آغاز شد، همچنان ادامه دارد و ارکان حکومت محکوم سرمایه‌داری نئولیبرال را به لرزه درآورد. هزاران دانشجو، کارگر و کارمند شیلیایی با تجمع در مرکز پایتخت این کشور اعتراض خود را نسبت به آن «بی‌عدالتی» و «هزینه بالای زندگی»، فقر و شکاف طبقاتی ابراز کردند. شمار کشته شدگان این اعتراضات تاکنون به بیش از ۱۸ تن رسیده و تعداد بازداشت‌شدگان توسط پلیس از ۵۰۰۰ نفر فراتر رفته است. به‌رغم عذرخواهی رئیس‌جمهور این کشور و وعده‌های پس‌گرفتن محموله ریاضتی اما اعتراضات همچنان ادامه دارد.

تظاهرکنندگان خواهان استعفای دولت، انتخابات جدید و محاکمه و مجازات قاتلان فرزندان مردم شدند. حضور بیش از یک میلیون شیلیایی در روز یکشنبه ۲۷ اکتبر در اعتراض به سیاست‌های نئولیبرالی دولت سرمایه‌داری حاکم در خیابان‌های سانتیاگو مبین این امر است که نظام سرمایه‌داری و آنهم در شکل «نوین» آن نه تنها پاسخ‌گوی پایه‌ای‌ترین نیازهای انسان‌ها نیست، بلکه بحران، بیکاری، فقر، خشونت، مصیبت و کثافت که در ذات اوست باید برافند. تنها بدیل این نظام گنبدیده اجتماعی، نظامی مبتنی بر مالکیت اجتماعی و الغای مالکیت خصوصی بر ابزار تولید و توزیع عادلانه سوسیالیستی ثروت در جامعه تحت رهبری طبقه کارگر و حزب سیاسی اوست. حزبی که مسلح به فلسفه مارکسیسم - لنینیسم و پرچم‌دار مبارزه علیه تمام انحرافات رویزیونیستی، ترسکیستی و آنارکوسندیکالیستی است. خلق شیلی تحت رهبری چنین حزبی به پیروزی خواهد رسید.

شیلی مهد نئولیبرالیسم و آزمایشگاه شوک‌درمانی شاگردان «میلتون فردمن» در این کشور و در سراسر آمریکای لاتین، آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکا به گور آن بدل خواهد شد.

زنده باد خلق شیلی! زنده باد سوسیالیسم، این پرچم‌رهای بشریت!

نقش مهمی در به میدان آوردن «جبهه متحد اتحادیه‌ها FTU» داشت. در این مرحله دولت به شکست کشانده شده است، جناح راست به شکست کشانده شده است، سیاست صندوق بین‌المللی پول به شکست کشانده شده است.

چهره دولت کاملاً خدشه‌دار شده است، «رومو»، وزیر کشور «لنین مورنو» و «جارین» مورد پرسش قرار گرفته‌اند. ما باید همچنان به خواست خود برای برکناری فوری آنها ادامه دهیم، باید همچنان پرده از چهره معاون رئیس‌جمهور و وزیر اقتصاد برکشیم، و سرکوب وحشیانه پلیس و ارتش را افشا کنیم. مجلس شورای ملی بار دیگر مورد سوال قرار گرفته است. مردم در این مبارزات وضعیت اضطراری دولت، منع رفت و آمد و حکومت نظامی و دروغ پراکنی رسانه‌های بورژوازی را به شکست کشانده‌اند. علی‌رغم تلاش‌های زیاد نیروهای حامی رئیس‌جمهور پیشین «کورییا»، Correa، مقاصد آنها عملی نه‌شد. تلاش آنها برای کودتا با شکست روبرو شد. زخم عمیقی بر چهره «کورییا ایزم» نشست. لازم است که مردم بر اهمیت گسترش وحدت و مبارزه که باعث کسب این پیروزی شده است، تأکید کنند. این مبارزات، جنبش مردمی را در یک وضعیت جدید عقیدتی و سیاسی قرار داده است. امروز فرصت بهتری برای اتخاذ موقعیتی که نیروی ما را تقویت کند، وجود دارد.

ما باید در سازمان‌های خود، سازمان‌های توده‌ای، اتحادیه‌ها، انجمن‌ها، شهرداری‌ها، تعاونی‌ها و ... این مبارزه و دست‌آورد را ارزیابی کنیم، بر روی اقدامات جدید تعمق کنیم. مجامع عمومی که این روزها ایجاد شده‌اند، باید به اقدامات خود ادامه داده و آنها را مورد ارزیابی قرار دهند. این مجامع باید به ارگان‌هایی برای بحث، پیشنهاد و تصمیم‌گیری برای اقدامات آینده بدل شوند.

ما بر اهمیت ارسال پیام و ابراز همبستگی بین‌المللی با اقداماتی که در بسیاری از کشورها صورت گرفته است، تأکید می‌کنیم.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اکوادور مارکسیست - لنینیست - PCMLE ۱۳ اکتبر ۲۰۱۹ •





## به مناسبت سالگرد تاریخی انقلاب اکتبر

در روسیه بود. امروز کمر استعمار فرتوت و نظام استعماری در جهان شکست و موجی از مقاومت در سراسر جهان برای کسب آزادی و استقلال در گرفت و سیمای جهان بکلی تغییر کرد. امپریالیست‌ها جنگ اول و دوم جهانی را به کمونیست‌ها باختند. پرولتاریا در روسیه بر سر قدرت آمد و سوسیالیسم را مستقر کرد. دیگر جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم جهان قبل از ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ نیست و امپریالیست‌ها هر چقدر هم زور به‌زنند، نمی‌توانند چرخ تاریخ را به عقب برگردانند. مسئله حفظ سوسیالیسم همیشه محصول تداوم مبارزه طبقاتی است. انقلاب فرانسه، انقلاب مشروطه بعد از چندین بار شکست به پیروزی رسیدند. انقلاب اسپانیا سرکوب شد و نهضت جمهوری خواهی جهان را فراگرفته است و سلطنت که تفاله تاریخ است، باید به مزبله تاریخ رود. پیروزی بلشویک‌ها در روسیه فسخ همه قراردادهای استعماری بر ضد ملت ایران، به دست لنین بود. انقلاب روسیه مهمترین عامل در ایجاد یک حکومت متمرکز در ایران از جانب انگلستان بود تا جلوی نفوذ کمونیست‌ها را با ضرب و شکنجه و اعدام بگیرد. قرارداد ۱۹۲۱ بلشویک‌ها با ایران وثیقه حفظ استقلال ایران بود.

این روز، روز تولد دنیای نو و همه انسان‌های آزاده جهان است؛ روز شادی ملت‌ها و زحمتکشان؛ روز زوزه کشیدن دشمنان بشریت، حزب الهی‌ها و شاه‌اللهی‌هاست. بلشویک‌ها با سرود رزم خویش فراخواهند رسید و در آن روز نه شاهی باقی است نه جمهوری اسلامی و نه امپریالیست‌ها و صهیونیست‌ها، آن روز، روز نجات بشریت است. •

سالگرد پیروزی انقلاب اکتبر بار دیگر فرامی‌رسد. پیروزی‌های حزب بلشویک تحت رهبری لنین و حکومت جوان شوروی منظره بین‌المللی را دگرگون ساخت. امید امپریالیسم به پیروزی ضدانقلابیون داخلی برآورده نشد. لشکرکشی چهارده دولت امپریالیستی و سرمایه‌داری علیه جمهوری جوان و بنیان‌کن شوروی بی‌نتیجه ماند. ارتش‌های متجاوز خارجی در جنگ با نیروی انقلابی ارتش سرخ یکی پس از دیگری شکست می‌خوردند و این شکست‌ها آنها را به جنون وامیداشت. برای مبارزه با نخستین کشور سوسیالیستی نقشه‌های طولانی و توسل به هر سلاح مرگ‌باری لازم می‌آمد. اما به‌رغم تمام این توطئه‌های امپریالیستی و جنون‌آمیز موفق به برانداختن حکومت شوروی نه‌گشتند و دیکتاتوری پرولتاریا و ساختمان پیروزمند سوسیالیسم به مدت سی سال به عظیم‌ترین دست‌آوردهای بشری نائل آمد.

امروز صد و دومین سالروز پیروزی بزرگ بلشویک‌ها در روسیه تزاری است. امروز سلطنت ننگین خانواده رومانف‌ها در روسیه برای همیشه برچیده شد. امروز روز ضربه خوردن به کلیسای ارتدوکس روسیه بود، که همدست تزار در سیاست تزار نقش مستقیم بازی می‌کرد و یکی از ارکان ضدانقلاب





صحنه به دار کشیدن ۹ آزادی خواه تبریزی در شهر تبریز، به دست لشکر قزاق روس به سال ۱۲۹۰

## از روسیه هراسی چه حاصل؟

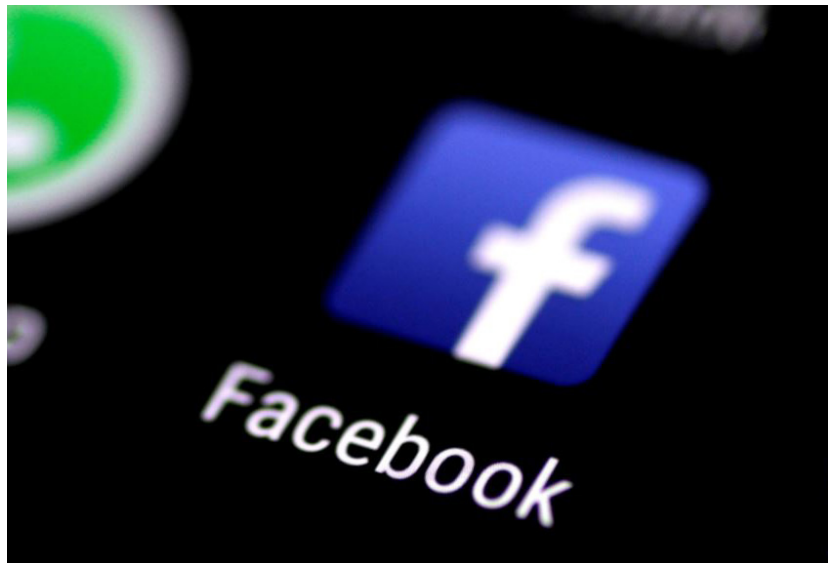
تصویر فوق مربوط به مداخله روسیه تزاری در ایران است و جالب توجه اینکه امروز برخی از محافل بورژوازی به خاطر خصلت روس ستیزی و تمایل به آمریکا و غرب سعی دارند با توسل به پخش چنین تصاویر ضدانسانی به نفوذ و جنایات روسیه تزاری در ایران، سراسر تاریخ روسیه و حکومت‌های آن را یکسان جلوه دهند و هرگونه مناسباتی با این کشور را در شرایط کنونی بر ضد منافع ملی ایران ارزیابی نمایند.

این بی‌خردان سیاسی حکومت جوان بلشویک‌های شوروی را که مَهر باطلی بر تمام مناسبات استعماری میان روسیه و ایران کوبید و استقلال و تمامیت ارضی ایران را محترم شمرد و تمام قراردادهای استعماری را بدون هیچ‌اما و اگری مُلغی کرد، نمی‌بینند و نمی‌خواهند به‌بینند. زیرا تمام گوش و چشم و مغزشان به سوی رسانه‌های امپریالیستی، «بی بی سی»، «صدای امریکا»، «من و تو» و «ایران اینترنشنال» و.... روان است و از آن

منابع «بی طرف» تغذیه می‌شوند!

روسیه ۱۹۱۷، روسیه ۱۹۶۰ و روسیه کنونی ۲۰۱۹ چه ربطی به روسیه تزاری دوره قاجار دارند؟

احمقانه است هر آینه تصور شود که پوتین همان تزار ۱۲۹۰ روسیه است که آهنگ آن دارد در مقابل «انقلاب مشروطه آینده ایران» لشکرکشی کند و انقلابیون را در خاک ایران همانند آزادی خواهان تبریزی به دار بیاویزد!!! روسیه کنونی یک کشور امپریالیستی است، که همسایه شمالی ایران است، دارای مناسبات دیپلماتیک، تجاری و دوستانه با ایران است و این کشور در شرایط کنونی خطری برای موجودیت، منافع ملی و تمامیت ارضی ایران محسوب نمی‌شود و لذا نه‌باید روسیه را دشمن عمده خارجی مردم ایران جلوه داد و امپریالیسم آمریکا را دوست و حامی ملت! چنین سیاستی مغایر کامل با منافع ملی مردم ایران است و باید به افشای این محافل حامی امپریالیست‌های غربی به سرکردگی آمریکا پرداخت و سره از ناسره را روشن ساخت.



## گشت و گذاری در فیسبوک، پاسخ به یک پرسش

پرسش: دوستان گرامی توفان، حزب شما بر چه پایه و اساسی از آقای دکتر مرتضی محیط که مخالف سرسخت مارکسیسم - لنینیسم است، دشمن اندیشه لنین و استالین است، دفاع می کند. نظراتان در مورد ایشان چیست؟

**پاسخ:** دوست عزیز، دفاع ما از آقای دکتر محیط در عرصه مبارزات دمکراتیک و ضدامپریالیستی یک برخورد سیاسی است و نه ایدئولوژیک. تحلیل سیاسی مرتضی محیط در مورد سوریه، منطقه و تحریم و تهدید نظامی به ایران منطقی و صحیح است. بخش اعظم برنامه تلویزیونی ایشان در افشای امپریالیسم و تلاش برای ممانعت از جنگ علیه ایران است. آقای محیط مخالف جمهوری اسلامی است، اما عمیقاً مخالف هر گونه مداخله نظامی در ایران است. وی امپریالیسم آمریکا را بزرگترین تهدید کننده صلح و مظهر فاشیسم و نژادپرستی و راسیسم در جهان تحلیل می کند. با مرتضی محیط می توان بر سر مسائل مختلف تئوریک اختلاف نظر داشت، اما به سیاست میهن دوستانه او در حمایت از مردم ایران و مخالفت با امپریالیسم و مزدوران اش نمی توان کمترین شکی داشت. حزب ما بر این اساس از آقای دکتر محیط به عنوان یک شخصیت ملی، دمکرات و ضدامپریالیست دفاع می کند و ایشان را در جبهه خویش می بیند.

در مورد تعریف از سوسیالیسم طبیعتاً ما با ایشان اختلاف عمیقی داریم. مرتضی محیط مدعی دفاع از سوسیالیسم است، اما آن سوسیالیسمی که او از آن سخن می گوید از قضا تاکنون در هیچ گوشه‌ای از جهان رخ نداده است. وی به نفی انقلاب سوسیالیستی اکتبر شوروی می پردازد، زیرا «جامعه به واسطه

رشد ناکافی نیروهای مولده هنوز آمادگی و پذیرای انقلاب سوسیالیستی نبود و بورژوازی می‌بایست نیروهای مولده را تا آنجا رشد می‌داد که عناصر پرولتری به درجه‌ای از تکامل می‌رسیدند که خودشان قدرت را می‌گرفتند، خودشان حزب تأسیس می‌کردند، نیازی به قیم و حزبی تحت رهبری روشنفکران نداشتند». آقای محیط در بستر چنین نظری به نفی سرکردگی حزب در مرحله انقلاب سوسیالیستی می‌پردازد و اعتقادی به دولت دیکتاتوری پرولتاریا در مرحله گذار به کمونیسم ندارد!

دکتر محیط که در تئوری‌های کهنه منشویکی بورژوایی، رشد نیروهای مولده و تئوری‌های آنارشستی نفی دولت غرق است و متأسفانه هنوز پی نبرده است که سوسیالیسم فرامسیون کامل کمونیستی نیست، زیرا هنوز طبقات و مبارزه طبقاتی در اشکال مختلف در فاز نخست کمونیسم وجود دارد. هنوز دولت و دیکتاتوری، البته اعمال دیکتاتوری اکثریت اهالی جامعه کارگر و زحمتکش بر اقلیت حامی نظام سرمایه‌داری و مظاهر فرهنگی و روبنایی و بقایای جامعه کهن وجود دارد. هنوز اختلاف دستمزد و اختلاف بین کار یدی و فکری و در یک کلام مبارزه برای تحقق حق، که خود منشاء اش از ناحقی است، وجود دارد. هنوز مناسبات پول و روابط بازرگانی خارجی، همزیستی و جنگ و ستیز با سرمایه‌داری جهانی وجود دارد و هنوز مسئله پیروزی کی بر کی مطرح است. حال اگر کسی پیدا شود و از سوسیالیسم بی‌عیب و نقض سخن گوید، از آگاهی طبقاتی و فرهنگی کامل و بی‌عیب و نقض سخن گوید، از سوسیالیسم همه با هم و آزادی بی‌قید و شرط سخن گوید، از بی‌حزبی و بی‌دولتی و بی‌دیکتاتوری طبقاتی سخن گوید و غیره... آن وقت چنین کسانی هنوز سوسیالیسم را نفهمیده‌اند و باید حداقل یک میلیون سال منتظر به‌نشینند، دخیل به‌بندند و منتظر معجزه رشد نیروهای مولده سرمایه‌داری بمانند و سرانجام از هیچ و پوچ باد سوسیالیسم سخن به‌گویند و برجاودانی بودن نظام سرمایه‌داری نغمه‌سرایی کنند.

از این روی ما در این عرصه با ایشان اختلاف داریم و پیروزی انقلاب اکتبر در ۱۹۱۷ خط بطلانی بر این نظریه غیر علمی آقای محیط و همه روشنفکرانی است که با پرچم «بازگشت به مارکس» به نفی هسته انقلابی مارکس و مارکسیسم و تکامل آن به لنینیسم می‌پردازند.

موفق باشید. •

سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به  
دست مردم ایران

حمایت از خلق کرد بوده و هستند. تنها کسانی در دفاع از خلق کرد صداقت دارند که بر ضد تجاوز به سوریه، به عراق، لبنان، فلسطین، افغانستان و یمن دست زند و این تجاوزات استعماری را افشا نمایند. در غیر این صورت در جبهه دشمنان مردم سوریه، عراق و ایران و منطقه قرار می گیرند.

جنبش «روژوای کوبانی» که مدعی دفاع از «دمکراسی و چپ و حکومت خودگردان شورایی» است، چرا باید سرنوشت اش را به منافع ژئوپلیتیک آمریکا و اسرائیل در منطقه گره بزند و به آمریکا به خاطر خروج ارتش اش از خاک سوریه ناسزا گوید و به هوداران اش رهنمود دهد تا در اروپا و سایر ممالک جهان با تظاهرات و اعتراضات سیاسی نظر قوای متجاوز آمریکا را برای ماندن در خاک سوریه و حمایت از مردم کرد جلب نمایند. از همین روست که اکثر تظاهراتی که در رابطه با تجاوز ترکیه به سوریه صورت گرفته است، فقط از تجاوز به «منطقه کردهای کوبانی» سخن رفته است، نه محکوم کردن تجاوز ارتش ترکیه به خاک سوریه که نقض آشکار تمامیت ارضی و حق حاکمیت ملی سوریه و منشور سازمان ملل متحد است.

با این مختصر روشن کردیم مبارزه برای حق تعیین سرنوشتی که علیه امپریالیسم و صهیونیسم پیوند نه خورد و در جهت تضعیف امپریالیسم نه باشد، مبارزه ای ارتجاعی است و باید علیه آن به مبارزه دست زد.

چنین حق تعیین سرنوشتی قابل دفاع نیست.

به نظر حزب ما راه رهایی خلق کرد اتحاد، همکاری و همبستگی با همه ملل ساکن کشورهای است که آنها نیز در آن کشورها ساکن اند. همه این مردمان باید برای دموکراسی، آزادی و برای توجه به حقوق زحمتکشان مبارزه کنند.

در مورد جنگ جهانی دوم و اتحاد و همکاری رهبر اتحاد شوروی با هیتلر و آمریکا نظراتان اشتباه است و هیچ ربطی با همدستی کردهای سوریه با آمریکا بر ضد سایر خلق های سوریه و منطقه ندارد.

نخست اینکه شوروی ها هیچ پیمان صلحی با هیتلر نازی نه بستند، هیچ همکاری در میان نه بوده، بلکه یک «پیمان عدم تجاوز» میان دولت های آلمان و شوروی بود که تحت رهبری خردمندان استالین صورت گرفت، تا تنفسی برای سازماندهی و آماده کردن ارتش سرخ و خلق های شوروی در مقابل ارتش هار هیتلر گردد. همین تاکتیک سبب تقویت ارتش سرخ و تضعیف نیروهای متخاصم گردید. دو دیگر اینکه اتحاد شوروی در یک شرایط برتر و قوی تر که جنگ رو به اتمام و ارتش نازی در حال شکست خوردن بود، با آمریکا، انگلیس و فرانسه، جبهه متفقین ضدفاشیست را بر علیه ارتش نازی تشکیل داد و جنگ را با موفقیت به پایان برد.

ازاینرو نمی توان همدستی روژوای کوبانی تحت رهبری «صالح مسلم» با امپریالیسم آمریکا را که تمام هستی شان را از طریق کمک آمریکا تأمین کرده اند، با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی تحت رهبری استالین، که به پای تشکیل جبهه ضد فاشیستی رفت و کمر ارتش نازی را درهم شکست مقایسه نماید. چنین مقایسه ای بسیار مضحک، نادرست و آگاهانه یا ناآگاهانه در جهت توجیه سیاست های ناسیونال شونیستی کردهای سوریه است و بس!

صمیمانه از شما می خواهیم برای کسب اطلاعات بیشتر به اسنادی که حزب ما در مورد جنگ جهانی دوم از جمله کتاب «تحریر کنندگان تاریخ» انتشار داده است، رجوع کنید. تمام این اسناد در کتابخانه اینترنتی توفان قابل دسترسی است.

برایتان موفقیت آرزو می کنیم.



## پرسش و پاسخ در شبکه تلگرام

پرسش: حزب شما در ابتدا از جنبش روژوای کوبانی در سوریه دفاع کرد، ولی امروز به بهانه های مختلف و همکاری تاکتیکی با آمریکا علیه کردها شدیدترین حملات را می کنید. اگر همکاری تاکتیکی با آمریکا بد است، پس چرا شما از همکاری اتحاد شوروی برای صلح با هیتلر آلمان و یا همکاری با آمریکا به رهبری استالین در جنگ جهانی دوم حمایت می کنید؟ این تناقض را چگونه توضیح می دهید؟ پاسخ: سازمان های کرد سوریه در ابتدای تجاوز به این کشور از مبارزه در چارچوب تمامیت ارضی و در اتحاد با سایر مردمان این کشور علیه امپریالیسم سخن گفتند و این امر بسیار نویدبخش و انقلابی می نمود. سازمان های کرد بارها تأکید کردند که قصد جدایی ندارند و در اتحاد با سایر خلق ها و اقوام سوریه برای یک سوریه دمکراتیک و مستقل می رزمند. چنین سیاست خردمندانه ای نمی توانست مورد حمایت حزب ما و نیروهای ترقی خواه قرار نه گیرد. اما با طولانی شدن مبارزه و فشارهای امپریالیستی بر دولت سوریه، سبب شد تا چرخشی در سیاست سازمان های کرد سوریه به وجود آید و طرح پیشنهاد همکاری امپریالیسم برای ایجاد پایگاه نظامی جهت سرنگونی حکومت مرکزی را به پذیرند و تحت عنوان مبارزه علیه تروریسم داعشی، عملاً به اشغال و نقض تمامیت ارضی سوریه لبیک گویند. از این تاریخ و با این چرخش کیفی در سیاست کردهای سوریه، که خیانت و خنجری از پشت به خلق سوریه بود، دیگر حمایت از مبارزه کردهای کوبانی مجاز نبود و وظیفه خود دانستیم که این سیاست ناسیونال شونیستی و مخرب را که سر بزنگاه های تاریخی گلیم خود را از سایر مردم جدا می کنند و به دشمنان مردم می پیوندند، رسوا و بر علیه آن مبارزه کنیم. همکاری کردهای سوریه با آمریکا فقط یک اشتباه ساده نه بود، خیانت به تمام مردم سوریه و خلق های منطقه بوده است. حزب ما نمی تواند از مبارزه تجزیه طلبانه که در جهت منافع امپریالیسم آمریکا، عربستان و اسرائیل در منطقه است، حمایت کند. رهبران کردهای سوریه خائن به خلق سوریه و خلق کرد هستند. چنین رهبرانی فاقد صداقت در



www.telegram.me/totoufan				*		کانال تلگرام حزب کار ایران (توفان)
facebook.com/toufan.hezbekar					*	فیسبوک حزب کار ایران (توفان)
twitter.com/toufanhezbkar			*			تویتر حزب کار ایران (توفان)
www.rahetoufan67.blogspot.de	*					وبلاگ توفان قاسمی
www.kanonezi.blogspot.de	*					وبلاگ ظفر سرخ
kargareagah.blogspot.de	*					وبلاگ کارگر آگاه
www.toufan.org		*				تارنمای حزب کار ایران توفان
www.toufan.de		*				تارنمای آزمایشی حزب
<b>POSTBANK</b>						
bank code 20110022						
bank account No.: 25773372600						
IBAN: DE70201100222573372600						
<b>P.O. BOX 1138</b>						
D64526 Mörfelden-Walldorf						
E-Mail: toufan@toufan.org						
Fax: 00496996580346						